راه و رسم زندگی
در کلام پیامبر اعظم ﷺ
پندهای پیامبر اکرم ﷺ به ابوذر غفاری



راه و رسم زندگی در کلام پیامبر صلی الله علیه وآله خطاب به اباذر

مشخصات کتاب

سرشناسه : سلیم زاده، خیرالله، 1315 - عنوان و نام پدیدآور : راه و رسم زندگی در کلام پیامبر اعظم صلی الله علیه واله و سلم: پندهای پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم به ابوذر غفاری/ تالیف خیرالله سلیم زاده. مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران 1386. مشخصات ظاهری : 95ص 5/11 × 5/16 س م. شابک : 5000 ریال 879-469-379-380-1 : ؛ 0008 ریال : چاپ دوم 879-469-379-380-1 : یادداشت : چاپ دوم: 7831. یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع : محمد (ص) ، پیامبر اسلام، 35 قبل از هجرت - 11ق -- احادیث موضوع : راه و رسم زندگی -- جنبه های مذهبی رده بندی کنگره : 842PB /س38ر2 6831 رده بندی دیویی : 16/792 شماره کتابشناسی ملی : 4134031

بسم اللَّه الرحمن الرحیم کتابی که پیش روی شما است، سخنان گرانمایه حضرت پیامبر اکرم، خاتم انبیاصلی الله علیه وآله خطاب به ابی ذر غفاری رضوان اللَّه تعالی علیه می باشد. وی یکی از اصحاب با وفا و پابرجای آن بزرگوار بوده است - که حِکَم و مَواعظ سودمند و پند و اندرزهای بسیار مفید برای همه مسلمان در آن نهفته است، مجدداً با ترجمه اش چاپ می شود. در این ترجمه از کتاب عین الحیاه مرحوم علامه مجلسی قدس سره، و از ترجمه دانشمند گرامی جناب مستطاب آقای تجلیل تبریزی «زیده عزّه» کمک گرفته ام و اصل عربی این حدیث را به جهت صِحّت متن و مصونیت از اشتباه و غلط با چند کتاب از کتب معتبره علمای سلف و بزرگ شیعه امامیه اثنا عشریه تطبیق و تصحیح نمودم و در موارد اختلاف در تعبیر عبارات اصل حدیث در این چند کتاب، نسخه بدل ها

را مابین دو پرانتز ذکر کرده ام ولی در ترجمه حدیث، جمله ها و کلماتی که ما بین دو پرانتز قرار گرفته است غالباً برای توضیح است.

امید است که این جزوه مورد استفاده عموم مؤمنین و اهل دین و پیروان سیدالمرسلین و ائمه معصومین علیهم السلام واقع گردد و همه از آن بهره های معنوی دنیایی و اُخروی برگیرند. ان شاء اللّٰه تعالی.

لازم به تذّکر است که تجزیه این کلام نورانی که در ضمن 147 شماره ارائه گردیده از بعضی نویسندگان است و مستند به اصل حدیث نمی باشد.

العبد خیر اللَّه سلیم زاده

مرحوم شیخ طوسی در کتاب (امالی) جلد دوم چاپ نجف صفحه 138 - 152 و مرحوم شیخ طبرسی در کتاب (مکارم الاخلاق) چاپ بیروت صفحه 455 - 471، باب 12، فصل 5 و مرحوم ورام بن ابی فراس در کتاب (مجموعه ورام) چاپ ایران قم سال 1375، صفحه 273 - 284 و مرحوم مجلسی در کتاب (بحارالانوار) چاپ ایران جلد 77، صفحه 74 - 91، باب 4، حدیث 63 و در کتاب (عین الحیاه) (که همه اش از اوّل تا آخر شرح همین حدیث ابی ذر است) همه این بزرگان در این کتاب های خود مسنداً و مجموعه ورام مرسلاً از ابوذر غفاری رضوان اللّه تعالی علیه روایت کرده اند که ابوذر گفت: من داخل شدم در اوائل یک روز در مسجد، پس به جز پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و علی علیه السلام که در کنار آن حضرت بودند، هیچ کس دیگری را در آنجا ندیدم، پس من خلوت مسجد را مغتنم شمردم و عرض کردم: یا رسول اللّه صلی الله علیه وآله! پدرم و مادرم فدای تو باد، سفارشی به من بفرمایید

که خدا مرا به آن سفارش نفع رساند.

پس آن حضرت فرمودند: (مطالبی را که ترجمه ظاهرش چنین است) (تو را سفارش خواهم کرد) و چه بسیار گرامی و پسندیده ای تو در نزد ما ای ابوذر تو از ما اهل بیت می باشی و همانا که من تو را به دستور و پندی (عظیم) سفارش می کنم پس تو آن را (در فکر و عمل خود) حفظ کن (نگهداری نما) که آن جامع (دربردارنده) همه راه های خیر (و خوبی و نجات است) پس اگر تو آن را (در ذهن و در کار خود) حفظ کنی و (بدان عمل نمایی) برایت بهره ای عظیم (از رحمت الهی خیر و دنیا و آخرت) خواهد بود.

1

يا أباذَرٍ! أُعْبُدِاللَّهَ كَانَّکَ تَراهُ، فَاِنْ کُنْتَ لاتَراهُ فَاِنَّهُ يراکَ.

ای ابوذر! خدا را چنان بندگی کن که گویا او را می بینی، پس اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.

وَاعْلَمْ یا أَباذَرٍّ! اِنَّ اللَّه عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ اَهلَ بَیتِی فِی اُمَّتِی کَسَفِینَهِ نُوحٍ مَنْ رَکِبَها نَجی وَ مَنْ رَغِبَ عَنْها غَرَقَ،(1) وَ مِثْلَ بابِ حِطَّهٍ(2) فِی بَنِی اِسْرائِیلَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ امِناً.

بدان ای ابوذر! که خدای عزیز و بزرگ، اهل بیت مرا در میان امّت من بمانند کشتی نوح گردانیده است، هرکس در آن سوار شد از هلاکت رست و هرکس از آن روی بگردانید غرق گشت. همچنین مانند درب حطّه در میان بنی اسرائیل که اگر کسی از آن وارد می شد از عذاب خدا ایمن می گشت.

يا أَباذَرٍ! اِحْفَظْ ما اُوصِيکَ بِهِ تَکُنْ سَعِيداً فِی الدُّنْيا وَ الاخِرَهِ

يا أَباذَرٍّ! نِعْمَتانِ مَغْبُونٌ فِيهِما کَثِيرٌ مِنَ النّاسِ، اَلصِّحَّهُ وَ الْفراغُ.

ای ابوذر! پندهای مرا نگهداری (و مراعات) کن تا در دو جهان سعادتمند گردی، ای ابوذر! بسیاری از مردم در مورد دو نعمت مغبون هستند (از آن قدردانی و استفاده خوب نمی کنند) تندرستی و فراغت بال.

يا أَباذَرٍ! اغْتَنِمْ خَمْساً قَبْلَ خَمْسٍ، شَبابَکَ قَبْلَ هِرَمِکَ، وَ صِحَّتَکَ قَبْلَ سُقْمِکَ وَ غِناکَ قَبْلَ فَقْرِکِ وَ فَراغَکَ قَبْلَ شُغْلِکَ وَ حَیوتَکَ قَبْلَ مَوْتِکَ.

ای ابوذر! پیش از آن که پنج چیز به تو روی آورد، پنج چیز را غنیمت شمار (از آن ها استفاده شایسته کن): جوانی را پیش از پیری، تندرستی را پیش از بیماری، توانگری را پیش از پریشانی، فراغت را پیش از گرفتاری و زندگی را پیش از مرگ.

يا أَباذَرٍ! إِياکَ وَ التَّسْوِيفَ بِاَمَلِکَ، فَإِنَّکَ بِيوْمِکَ وَ لَسْتَ بِما بَعْدَهُ، فَإِنْ يکُنْ غَدٌ لَکَ فَکُنْ فِی الْغَدِ کَما کُنْتَ فِی الْيَوْمِ وَ إِنْ لَمْ يکُنْ غَدٌ لَکَ لَمْ تَنْدِمْ عَلی ما فَرَّطْتَ فِی الْيومِ.

ای ابوذر! مبادا به درازی (و طول) آرزو، کارهای شایسته را به تأخیر افکنی، زیرا که تو اکنون همین امروز را داری، نه ما بعد آن را، پس اگر فردایی داشتی در آن نیز به مانند امروز باش، و اگر فردایی برایت نبود پشیمانی امروز را نخواهی برد که در آن کوتاهی کرده ای.

يا أَباذَرٍ! کَمْ مِنْ مُسْتَقْبِلٍ يوْماً لايسْتَکْمِلُهُ وَ مُنْتَظِرٍ غَداً لا يبْلُغُهُ.

ای ابوذر! چه فراوانند کسانی که صبح را به شام نمی رسانند و چه فراوان کسانی که به انتظار فردا هستند ولی به آن نمی رسند.

يا أَباذَرٍ! لَوْ نَظَرْتَ إِلى الْاَجَلِ وَ مَسِيرِهِ لَاَ بْغَضْتَ الْاَمَلَ وَ غُرُورَهُ.

ای ابوذر! اگر به اجل نگری و ببینی که به سویت می آید هر آینه آرزوها و فریبکاری آن را دشمن خواهی داشت.

يا أَباذَرٍ! كُنْ كَاَنَّکَ فِی الدُّنْیا غَرِیبٌ أَوْ کَعابِرِ سَبِیلٍ وَ عُدَّ نَفْسَکَ مِنْ أَصْحابِ الْقُبُورِ.

ای ابوذر! در جهان چنان زی که در دیار غربت به سر می بری، یا مانند رهگذری باش و خود را از آن گروهی بشمار که به زیر خاک آرمیده اند.

يا أَباذَرٍ! إِذا أَصْبَحْتَ فَلا تُحَدِّثْ نَفْسَکَ بِالْمَساءِ وَ إِذا أَمْسَيتَ فَلا تُحَدِّثْ نَفْسَکَ بالصَّباحِ، وَ خُذْ مِنْ صِحَّتِکَ قَبْلَ سُقْمِکَ وَ مِنْ حَيوتِکَ قَبْلَ مَوْتِکَ لِاَنَّکَ لاتَدْرِی مَا اسْمُکَ غَداً.

ای ابوذر! هنگامی که صبح کردی به خویشتن نوید شامگاه مده و هنگامی که به شام رسیدی صبح گاه فردا را به خویش بازگویی منما، (هم اکنون) از تندرستی خود پیش از آن که دچار بیماری شوی و از زندگی خویش پیش از آن که مرگ تو را دریابد (برای آخرت و دینت) بهره گیری کن؛ زیرا تو نمی دانی فردا بر تو چه نام نهاده خواهد شد، (زنده یا مرده).

يا أَباذَرٍ! إِياکَ أَنْ تُدرِکَکَ الصَّرْعَهُ عِنْدَ العَثْرَهِ فَلا تُقالُ الْعَثْرَهُ وَلا تَمَکَّنُ مِنْ الرَّجْعَهِ وَ لا يحْمَدُکَ مَنْ خَلَّفْتَ بِما تَرَکْتَ وَ لا يعْذِرُکَ مَنْ تَقْدِمُ عَلَيهِ بِمَا اشْتَغَلْتَ بِهِ.

ای ابوذر! مبادا ناگهان مرگ تو را در حال لغزش و گناه دریابد، پس لغزش و گناه اقاله و جبران نشود و توانایی بازگشت تو را نباشد و آن کس که اندوخته تو برای او مانده تو را سپاسگزاری نکند و آن کس که به سوی او می روی تو را که برای اشتغالات مادی و گرد آوردن مال از ادای وظیفه نسبت به او بازمانده ای معذور ندارد.

يا أَباذَرٍ! ما رَاَيتُ كَالنّارِ نامَ هارِبُها وَ لا مِثْلَ الْجَنَّهِ نامَ طالِبُها.

ای ابوذر! چیزی ندیدم مانند آتش دوزخ که فرار کننده از آن به خواب رفته باشد و نه مانند بهشت که خواهان آن به خواب رفته باشد.

يا أَباذَرٍ! كُنْ عَلى عُمْرِكَ اَشَحَّ عَلى دِرْهَمِكَ وَ دِينارِكَ.

ای ابوذر! بر عمر خود بخیل تر از درهم و دینارت باش. (عمر عزیزت را به گناه و کارهای بیهوده صرف منما).

يا أَباذَرٍ! هَلْ يَنْتَظِرُ اَحَدُكُمْ إِلاَّ غِنى مُطْغياً أَوْ فَقْراً مُنْسِياً أَوْ مَرَضاً مُفْسِداً أَوْ هِرَماً مُفْعِداً أَوْ مَوْتاً مُجْهِزاً أَوِ الدَّجّالَ، فَإِنَّهُ شَرُّ غايبٍ أَوِ السّاعَةَ تُنْتَظَرُ وَ السّاعَةُ اَدْهى وَ اَمَرُّ.

ای ابوذر! آیا هیچ یک از شما جز این انتظار می برد، که ثروت و مالی که به طغیان انجامد به دست آورد و یا فقر و پریشانی که موجب فراموشی خدا گردد و یا بیماری که جان او را تباه سازد یا پیری که او را از کار و فعالیت باز دارد و یا مرگ که شتابان در رسد و یا دجال (فتنه انگیز) که شری پنهان است و یا رسیدن هنگام رستاخیز که انتظارش می رود و آن وقت ترسناک تر و تلخ تر است.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ شَرَّ النّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يوْمَ القِيامَهِ عالِمٌ لا ينْتَفَعُ بِعِلْمِهِ وَ مَنْ طَلَبَ عِلْماً لِيصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النّاسِ إِلَيهِ لَمْ يجِدْ رِيحَ الْجَنَّهِ. يا اَباذَرٍ! مَنِ ابْتَغى الْعِلْمَ لِيخْدَعَ بِهِ النّاسَ لَمْ يجِدْ ريحَ الْجَنَّهِ.

يا أَباذَرٍ! اِذا سُئِلْتَ عَنْ عِلْمٍ لاتَعْلَمُهُ فَقُلْ لا اَعْلَمُهُ تَنْجَ مِنْ تَبِعَتِهِ وَ لا تُفْتِ النّاسَ بِما لاعِلْمَ لَکَ تَنْجَ مِنْ عَذابِ اللَّهِ يوْمَ القِيامَهِ.

يا أَباذَرٍّ يطْلِعُ قَوْمٌ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّهِ إِلى قَوْمٍ مِنْ أَهْلِ النّارِ فَيقُولُونَ: ما أَدْخَلَكُمُ النّارَ؟ وَ قَدْ دَخَلْنَا الْجَنَّهَ بِفَضْلِ تَأدِيبِكُمْ وَ تَعْلِيمِكُمْ فَيقُولُونَ: إِنّا كُنّا نَأمُرُ بِالْخَيرِ وَ لا نَفْعَلُهُ.

ای ابوذر! همانا بدترین مردم از جهت ارزش و منزلت پیش پروردگار عالم در روز قیامت دانشمندی است که از دانش او بهره برده نمی شود و هر کس طلب کند علم(دین) را که توجّه مردم را به سوی خویش جلب کند، بوی بهشت به او نرسد. (ای

ابوذر) هرکس دانش آموزد تا با آن مردم را بفریبد بوی بهشت به او نرسد.

ای ابوذر! هرگاه از تو چیزی پرسیدند که نمی دانی پس (به ندانستن آن اعتراف کن) بگو نمی دانم تا از گرفتاری و عقوبت آن برهی، و به آنچه نمی دانی فتوی مده تا از عذاب خدای در روز رستاخیز رهایی یابی.

ای ابوذر! (روز قیامت) گروهی از اهل بهشت به سوی گروهی از اهل دوزخ سرکشی می کنند، پس می پرسند: به چه علت شما در آتش افتاده اید؟ در حالی که ما به برکت تعلیم و تربیت شما به بهشت رسیده ایم؟ پس در جواب گویند: ما دیگران را به کار خیر و اعمال شایسته دستور می دادیم ولی خود از به کار بستن آن فروگذاری می کردیم (و به آن کارهای خیری که دیگران را امر می کردیم، عمل نمی کردیم.)

يا أَبادَرٍ! إِنَّ حُقُوقَ اللَّه جَلَّ ثَناؤُهُ اَعْظَمُ مِنْ أَنْ يقُومَ بِهَا الْعِبادُ، وَ إِنَّ نِعَمَهُ اَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصِيهَا الْعِبادُ، وَلكِنْ اَمْسُوْا تائِبِينَ وَ اَصْبِحُوا تائِبِينَ.

ای ابوذر! حقوق خداوند «جل ثنائه» بزرگ تر از آن است که بندگان بتوانند به آن حقوق قیام نمایند و همانا نعمت های او بیشتر از آن است که بندگان به شمارش آن توانا باشند، ولی شما با توبه داخل شامگاه شوید و هر صبح (به سوی او) توبه کنید (به تقصیر خویش اعتراف نمایید.)

يا أَباذَرٍ! إِنَّکَ فِی مَمَرِّ اللَّیلِ وَ النَّهارِ فِی اجالٍ مَنْقُوصَهٍ وَ اَعْمالٍ مَحْفُوظَهٍ وَ الْمَوْتُ یاْتِی بَغْتَةً وَ مَنْ یزْرَعُ خَیراً یوشِکُ أَنْ یحْصَدَ خَیراً وَ مَنْ یزْرَعُ شَرَّاً یوشِکُ اَنْ یحْصَدَ نَدامَةً وَلِکُلِّ زارعٍ ما زَرَعَ.

ای ابوذر! همانا تو در عبورگاه شب و روز قرار گرفته ای، در مدّت های کوتاه، و اعمالی که ضبط و نگهداری می شوند، و مرگ ناگهان می آید و هرکس تخم نیکی کاشت به زودی از آن خیر و سعادت دِرَو خواهد کرد و هرکس تخم شر و بدکاری کاشت جز ندامت از آن دِرَو نخواهد نمود و هر بَرزگر آن دِرَو خواهد کرد که کاشته است.

يا أَباذَرٍ! لا يِسْبَقُ بَطِی ءٌ بِحَظِّهِ وَ لا يدْرِکُ حَرِيصٌ ما لَمْ يقَدَّرْ لَهُ وَ مَنْ أُعْطِی خَيراً فَاللَّهُ أَعْطاهُ وَ مَنْ وُقِی شَرّاً فَاللَّهُ وَقاهُ.

ای ابوذر! بهره کسی را که شتاب نمی کند دیگری نمی تواند ببرد و آزمند و طمعکار به آنچه که برای وی مقدر نشده نمی رسد و هرکس به خیری رسد پس خدا به او عطا فرموده و هرکس از شری نگهداری شده خدا او را نگهداری کرده است.

يا أَباذَرٍ! اَلْمُتَّقُونَ سادَهٌ وَ الْفُقَهآءُ قادَهٌ وَ مُجالَسَتَهُمْ زِيادَهٌ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيرى ذَنْبَهُ كَاَنَّهُ تَحْتَ صَخْرَهٍ يخافُ اَنْ تَقَعَ عَلَيهِ وَ إِنَّ الْكافِرَ لَيرى ذَنْبَهُ كَاَنَّهُ ذُبابٌ مَرَّ عَلى اَنْفِهِ.

ای ابوذر! پرهیزکاران بزرگوارانند و فقها پیشوایانند و همنشینی با آنان موجب زیادی (علم و فضیلت است)، انسان با ایمان گناه خود را چنان با اهمیت می نگرد به مانند آن که زیر تخته سنگی قرارگرفته که بیم دارد بر وی فرود آید، ولی انسان کافر و خدانشناس به گناه چنان می نگرد که گویا مگسی بر روی بینی او درگذر است.

يا أَبا ذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَ تَعالی إِذا اَرادَ بِعَبْدٍ خَيراً جَعَلَ الذُّنُوبَ بَينَ عَينَيهِ مُمَثَّلَةً وَ الاِثْمَ عَلَيهِ تَقِيلاً وَ بِيلاً وَ إِذا اَرادَ بِعَبْدٍ شَرّاً اَنْساهُ ذُنُوبَهُ.

ای ابوذر! خدای (تبارک و تعالی) به هر بنده ای اراده خیر و سعادت داشته باشد گناهان را نصب العینش ساخته و نافرمانی و گناه را در نظر او سنگین و دشوار می سازد و هرگاه به بنده ای (در اثر نیات واعمال بدش) اراده بدی و بدبختی نموده باشد گناهان او را از خاطرش فراموش می سازد.

يا أَباذَرٍ! لاتَنْظُرُ إِلى صِغَرِ الْخَطِيئَهِ وَلكِنِ انْظُرْ إِلى مَنْ عَصَيتَ.

ای ابوذر! به کوچکی گناه ننگر لکن بنگر که چه کسی را نافرمانی کرده ای.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ نَفْسَ الْمُؤْمِنِ اَشَدُّ ارْتِكاضاً مِنَ الْخَطِيئَهِ مِنَ الْعُصْفُورِ حِينَ يقْذَفُ بِهِ فِی شَرَکِهِ.

ای ابوذر! اضطراب جان و دل انسان با ایمان برای گناه شدیدتر از اضطراب دل گنجشک است هنگام به دام افتادن.

يا أَباذَر! مَنْ وافَقَ قَوْلُهُ فِعْلَهُ فَذلِکَ الَّذِی أَصابَ حَظَّهُ وَ مَنْ خالَفَ قَوْلُهُ فِعْلَهُ فَاِنَّما یوَبِّخُ نَفْسَهُ.

ای ابوذر! هر آن کس که کردارش با گفتارش مطابقت کند بهره خود را (از سعادت) دریافت نموده و هر آن کس که کردارش مخالف گفتارش باشد جز این نیست که (هنگام پاداش) خویشتن را سرزنش خواهد کرد

يا أَباذَرٍ! اَلرَّجُلُ لَيحْرَمُ رِزْقَهُ بِالذَّنْبِ يصِيبُهُ.

ای ابوذر! مرد به سبب گناهی که می کند (چه بسا) از روزی خویش (که برایش مقرر شده) محروم می گردد.

يا أَباذَرٍ! دَعْ ما لَسْتَ مِنْهُ فِی شَی ءٍ وَ لا تَنْطُقْ فِیما لا یعْنِیکَ وَ احْزَنْ لِسانَکَ کَما تَحْزَنُ وَرَقَکَ.

ای ابوذر! هرچه را که در آن تو را بهره نیست و به هیچ وجه به تو مربوط نمی شود ترک کن و به سخنی که فایده به حال تو ندارد لب مگشا و زبان خود را مانند پول خود که در حفظ آن می کوشی نگهداری نما.

يا أَبازَرٍ! اِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَناؤُهُ لَيدْخِلُ قَوْماً اَلْجَنَّهَ فَيعْطِيهِمْ حَتّى يمِلُّوا وَ فَوْقَهُمْ قَوْماً فِى الدَّرَجاتِ الْعُلى فَإذا نَظَرُوا إِلَيهِمْ عَرَفُوهُمْ، فَيقُولُونَ رَبَّنا إِخْوانُنا كُنّا مَعَهُمْ فِى الدُّنْيا فَبِمَ فَضَّلْتَهُمْ عَلَينا، فَيقالَ هَيهاتَ، هَيهاتَ، إِنَّهُمْ كانُوا يجُوعُونَ حِينَ تَشْبَعُونَ وَ يظْمَئُونَ حِينَ تَرْوُونَ وَ يقُومُونَ حِينَ تَنامُونَ وَ يشْخَصُونَ حِينَ تَخْفَضُونَ.

ای ابوذر! خدای (جل ثنائه) گروهی را به بهشت می برد پس چندان به آنان (نعمت) عطا می فرماید که خسته می شوند، و در فوق آنان گروهی دیگری هستند که در پایه های بالاترند، چون به آن ها می نگرند آنان را می شناسند پس می گویند: پروردگارا! اینان همان برادران ما هستند که در دنیا با هم بودیم (زندگی می کردیم) پس چرا آنان را بر ما برتری داده ای؟ در پاسخ گفته می شود: هیهات هیهات، آن گاه که شما سیر بودید آنان گرسنگی می کشیدند، آن گاه که سیراب بودید آنان تشنگی می بردند (روزه داشته) آن گاه که شما خواب بودید آنان ایستاده (به نماز مشغول) بودند، آن گاه که شما به استراحت می پرداختید آنان برای خدا (از جا بلند می شدند) بیرون می شتافتند.

يا أَباذَر! جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ ثَناؤُهُ قُرَّةَ عَينِی فِی الصَّلوهِ، وَ حَبَّبَ إِلی الصَّلوه کَما حَبَّبَ إِلَی الْجائِعِ الطَّعامَ وَ إِلی الظَّمْآنِ المآءَ وَ اِنَّ الْجائِعَ إِذا اَکَلَ شَبِعَ وَ إِنَّ الظَمْآنَ إِذا شَرِبَ رَوِی وَ اَنَا لا اَشْبَعُ مِنَ الصَّلوهِ.

ای ابوذر! خدای عزوجل نماز را نور دیده من قرار داده و آن را چنان محبوب من ساخته است که گرسنه، غذا را و تشنه، آب را دوست می دارد. البته گرسنه مقداری از غذا را می خورد سیر می گردد، تشنه نیز قدری که آب می نوشد سیراب می گردد، ولی من از نماز سیر نمی شوم.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ تَعالى بَعَثَ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ عليه السلام بِالرُّهْبانِيهِ وَ بُعِثْتُ بِالْحَنِيفَهِ السَّمْحَهِ وَ حَبَّبَ إِلَى النِّساءَ وَ الطِّيبَ وَ جَعَلَ فِى الصّلوهِ قُرَّهَ عَينِى. (3)

ای ابوذر! خدای متعالی، عیسی علیه السلام را به رهبانیت مبعوث داشته و من به دین پاک و آسان برانگیخته شده ام و خوشبویی و زندگی با زن را به من محبوب ساخته و نور چشم مرا در نماز قرار داده است.

یا أَباذَرٍ! اَیما رَجُلٍ تَطَوَّعَ فِی کُلِّ یوْم وَ لَیلَهٍ اثْنَتَی عَشْرَهَ رَکْعَهً سِوَی الْمَکْتُوبَهِ کانَ لَهُ حَقّاً واجِبَاً بَیتٌ فِی الْجَنَّهِ.

ای ابوذر! هر مردی که در شبانه روز فزون تر از نمازهای واجب دوازده رکعت نماز بگزارد، حقّ ثابت او در برابر آن، خانه ای در بهشت خواهد بود.

(شاید مراد از این دوازده رکعت نافله عشاء با نافله شب با شفع و وتر باشد چون که نافله عشاء که دو رکعت نشسته است که به منزله یک رکعت شمرده می شود).

يا أَباذَرٍ! اِنَّکَ ما دُمْتَ فِی الصَّلوهِ فَإِنَّکَ تَقْرَعُ بابَ المَلِکِ الْجَبّارِ وَ مَنْ یکْثِرْ قَرْعَ بابِ الْمَلِکِ یفْتَحْ لَهُ.

ای ابوذر! تا آن گاه که تو در حال نمازی، به کوبیدن در پادشاه جبار پرداخته ای و هر آن کس که درِ خانه پادشاه را زیاد بکوبد بالاخره به روی او بازِ می گردد (یکی از صفات خدای متعال، جبار است که به معنای: بزرگوار، فرمانفرما و مصلح امور نیز آمده است.)

يا أَبا‌ذَرٍ! ما مِنْ مُؤْمِنٍ يقُومُ مُصَلِّياً إِلاَّ تَناثَرَ عَلَيهِ الْبِرُّ ما بَينَهُ وَ بَينَ الْعَرْشِ و وكَّلَ بِهِ مَلَکٌ ينادِی يابْنَ آدَمَ لَوْ تَعْلَمُ مَالَکَ فِی الصَّلوهِ وَ مَنْ تُناجِی مَا انْفَتَلْتَ.

ای ابوذر! انسان با ایمان هرگاه که به نماز می ایستد رحمت پروردگار عالم تا عرش بر او احاطه کند و فرشته ای بر او گماشته می شود که ندا می کند فرزند آدم اگر می دانستی که در نماز چه نصیب تو می گردد و با چه کسی سخن می گویی هرگز از آن باز نمی ایستادی.

يا أَباذَرٍ! طُوبى لِاَصْحابِ الْاَلْويهِ يوْمَ الْقيامَهِ يحْمِلُونَها فَيسْبِقُونَ النّاسَ إِلى الْجَنَّهِ، اَلا هُمُ السّابِقُونَ إِلى الْمَساجِدِ بِالْاَسْحارِ وَ غَيرِ الْاَسْحارِ.

ای ابوذر! خوشا به حال آنان که در روز رستاخیز علمدار و پرچمدارند، پرچم را پیشاپیش مردم گرفته و بر آنان در رفتن به بهشت پیشی می گیرند، آنان همان افرادی هستند که سحرگاهان و سایر اوقات به مسجدها پیشی می جویند.

یا أَباذَرٍ! الصَّلوهُ عِمادُ الدِّینَ وَ اللِّسانُ اَکْبَرُ وَ الصَّدَقَهُ تَمْحُوا الْخَطِیئَهَ وَ اللِّسانُ اَکْبَرُ وَ الْصَوْمُ جُنَّهٌ مِنَ النَّار وَ اللِّسانُ اَکْبَرُ وَ الْجِهادُ نَباهَهٌ وَ اللِّسانُ اَکْبَرُ.

ای ابوذر! نماز ستون دین است، و (آنچه از یاد خدا به) زبان (می آید) بزرگ تر است! صدقه گناهان را می زداید، و (گفتاری که با) زبان (به مردم سود بخشد از صدقه) بزرگ تر است. روزه سپری است در مقابل آتش و (امساک) زبان بزرگ تر است و جهاد شرافت و عزت است و (جهاد با) زبان (مثل امر به معروف و ... از نظر شرافت) بزرگ تر است.

یا أَباذَرٍ! اَلدَّرَجَهُ فِی الْجَنَّهِ فَوْقَ الدَّرَجَهِ کَما بَینَ السَّمآءِ وَ الْاَرضِ وَ أَنَّ الْعَبْدَ لَیرْفَعُ بَصَرَهُ فَیلْمَعُ لَهُ نُورٌ یکادُ یخْطَفُ بَصَرَهُ فَیفْزَعُ لِذلِکَ فَیقُولُ: ما هذا؟ فَیقالُ هذا نُورُ اَخِیکَ. فَیقُولُ: أَخِی فَلانٌ؟ کُنّا نَعْمَلُ جَمِیعاً فِی الدُّنْیا وَ قَدْ فُضِّلَ عَلَی هکَذا، فَیقالُ لَهُ: اِنَّهُ کانَ اَفْضَلَ مِنْکَ عَمَلاً، ثُمَّ یجْعَلُ فِی قَلْبِهِ الرِّضا حَتّی یرْضی

ای ابوذر! بلندی درجه در بهشت بر بالای درجه دیگر و فاصله آن دو مانند فاصله ما بین زمین تا آسمان است، انسان بهشتی به بالا می نگرد، پیش دیدگان وی پرتوی از نور چنان برق می زند که نزدیک است آن نور، دیدگان او را نابینا سازد، می پرسد: این چه نوری است؟ پاسخ می گویند: این نور برادر تو فلانی است، می گوید: فلان برادرم؟ ما همگی در دنیا کارهای خدا پسندگانه می نمودیم، چگونه او برتری بر من جسته است این چنین؟ می گویند: او در کردار نیک بر تو برتری داشت، آن گاه رضا و خشنودی در دل او نهاده می شود تا خرسند گردد.

يا أَباذَرٍ! اَلدُّنْيا سِجنُ الْمُؤمِنِ وَ جَنَّهُ الكافِرِ وَ ما اَصْبَحَ فِيها مُؤْمِنٌ إِلاَّ حَزِيناً، فَكَيْفَ لايحْزَنُ وَ قَدْ أَوْ عَدَهُ اَللَّهُ جَلَّ ثَناؤُهُ اِنَّهُ وارِدُ جَهَنَّمَ وَ لَمْ يعِدْهُ اِنَّهُ صادِرٌ عَنْها، وَ لَيلْقَينَّ اَمْراضاً وَ مُصِيباتٍ وَ اُمُوراً تَغِيظُهُ وَ لَيظْلَمَنَّ فَلا ينْتَصِرُ، يبْتَغِى ثَواباً مِنْ اللَّهِ تَعالى فَما يزالُ فِيها حَزِيناً حَتّى يفارِقَها، فَإِذا فَارَقَها أَفْضِى إِلَى الرَّاحَهِ وَ الْكَرامَهِ.

ای ابوذر! دنیا برای انسان با ایمان زندان است و برای انسان کافر (بی ایمان) بهشت است، هیچ انسان با ایمان در دنیا شب را جز با اندوه صبح نمی کند، چرا اندوهگین نباشد، با این که

خدایش (جل ثنائه) خبر داده است که انسان در دوزخ فرود خواهد آمد ولی بیرون آمدنش را به او، وعده (حتمی) نداده است.(4) (و دیگر این که) با بیماری ها و گرفتاری ها و پیشامدها و ناگواری هایی حتماً مواجه می گردد و حتماً ستم می بیند، پس کسی او را یاری نمی کند، (به علت صبر بر مصیبت ها) از خدای متعال طالب ثواب است، و همیشه در این جهان اندوهگین است تا از آن جدا شود و بیرون رود ولی آن گاه که از جهان بیرون شتافت، به سوی راحتی و کرامت (خدای مهربان) سرازیر و وارد می گردد.

يا أَباذَرٍ! ما عُبِدَاللَّهُ عَلى مِثْلِ طُولِ الْحُزْنِ.

ای ابوذر! خدای جهان هیچگاه بمانند درازی اندوه عبادت نشده است (بنده ای که همواره از آتش عذاب خدا ترسان بوده، و برای خدا مدت های طولانی در برابر ناملایمات، صبر ورزیده و برای دوری از مقامات معنوی محزون است، از همه فزون تر خدا را بندگی کرده است.)

يا أَباذَرٍ! مَنْ أُوتِى مِنَ الْعِلْم ما لا يبْكِيهِ لَحَقِيقٌ أَنْ يكُونَ قَدْ أُوتِى عِلْمَ ما لا ينْفَعُهُ، لِاَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ نَعَتَ الْعُلَماَءَ فَقالَ: «إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهِ إِذَا يتْلَى عَلَيهِمْ يخِرُّونَ لِلْأَذْقانِ سُجَّداً وَيقُولُونَ سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً وَيخِرُّونَ لِلْأَذْقانِ يبْكُونَ وَيزِيدُهُمْ خُشُوعاً».(5)

ای ابوذر! هرکس را علمی بدهند که او را نگریاند، سزاوار است گفته شود علمی بدو داده شده که او را ثمر نمی بخشد؛ زیرا خداوند عزوجل در قرآن کریم علما را چنین توصیف فرموده است:

«آنان که پیش از بعثت پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله یا قبل از نزول قرآن به آن ها دانش داده شده هنگامی که قرآن بر آنان خوانده می شود به حالت سجده به رو می افتند و می گویند پاک است پروردگار ما، وعده های او انجام خواهد یافت و آنان به رو می افتند و می گریند و خشوع دلشان بیشتر می گردد.»

يا أَباذَرٍ! مَنِ اسْتَطاعَ أَنْ يبْكِی فَلْيبْكِ وَ مَنْ لَمْ يسْتَطِعْ فَلْيشْعِرْ قَلْبَهُ الْحُزْنَ وَ لْيتَباکَ، إِنَّ الْقَلْبَ القاسِی بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ وَلكِنْ لايشْعُرُونَ.

ای ابوذر! هرکس می تواند (از ترس خدای توانا) بگرید پس باید بگرید و هرکس نمی تواند «لااقل» دل خود را به اندوه آشنا سازد و به صورت گریه وا دارد؛ زیرا دل با قساوت، از خدا دور است ولی آنان درک این معنی نمی کنند.

يا أَباذَرٍ! يقُولُ اللَّهُ تَبارَکَ وَ تَعالی لا أَجْمَعُ عَلی عَبْدٍ خَوْفَينِ وَ لا أَجْمَعُ لَهُ أَمْنَينِ فَإذا أَمِنَنِی فِی الدُّنْيا أَخَفْتُهُ يوْمَ القِيامَهِ وَ إِذا خافَنِی فِی الدُّنْيا امَنْتُهُ يوْمَ القِيامَهِ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی می فرماید: من بر بنده دو ترس را جمع نمی کنم و دو ایمنی را نیز جمع نمی نمایم، اگر او در این جهان از من ایمن بود (و هیچ نترسید) در جهان دیگر او را خواهم ترسانید، ولی اگر در این جهان از من ترسناک بود روز رستاخیز او را ایمن خواهم ساخت.

يا أَباذَرٍ! لَوْ أَنَّ رَجُلاً كانَ لَهُ كَعَمَلِ سَبْعِينَ نَبِياً لاَحْتَقَرَهُ وَ خَشِی أَنْ لا ينْجُوَ مِنْ شَرِّ يوْمِ القِيامَهِ.

ای ابوذر! اگر مردی به قدر هفتاد پیامبر اعمال نیک داشته باشد می باید آن را ناچیز شمارد و بترسد از شرّ روز قیامت نجات نیابد.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ الْعَبْدَ لَيعْرَضُ عَلَيهِ ذُنُوبُهُ يوْمَ القِيامَهِ فَيقُولُ: اَما إِنِّی كُنْتُ مُشْفِقاً فَيغْفَرُلَهُ.

ای ابوذر! گناهان بنده (با ایمان) در روز قیامت به او ارائه می شود، پس می گوید: در دنیا من ترسان بودم، در نتیجه گناهانش آمرزیده و بخشیده می گردد.

یا أَباذَرٍ! إِنَّ الرَّجُلَ لَیعْمَلُ الْحَسَنَهَ فَیتَّکِلُ عَلَیها وَ یعْمَلُ الْمُحقَّراتِ حَتّی یأتِی اللَّهَ وَ هُوَ عَلَیهِ غَضْبانُ وَ اَنَّ الرَّجُلَ لَیعْمَلُ السَّیئَهَ فَیفْرُقَ مِنْها فَیأتِی اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ امِناً یوْمَ القِیامَهِ.

ای ابوذر! مردی کاری نیک انجام می دهد و به اتّکال و اعتماد بر آن کار خوب، گناهانی کوچک مرتکب می گردد (و در برابر کردار نیک خویش گناه را سهل می انگارد) چنین کسی هنگامی که پیش خدا می رود او بر وی خشمگین است، مردی نیز گناه و کار بد مرتکب می گردد ولی از عقوبت آن هراسان است، چنین کسی در روز قیامت با خاطر آسوده بر خدای عزوجل وارد می شود.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ العَبْدَ لَيذْنِبُ الذَّنْبَ فَيدْخُلُ بِهِ الْجَنَّة.

فَقُلْتُ: وَ كَيفَ ذلِکَ بِاَبِی اَنْتَ وَ أُمِّی یا رَسُولَ اللَّهِ؟

قالَ صلی الله علیه وآله: یکُونُ ذَلِکَ الذَّنْبُ نَصْبَ عَینَیهِ تائِباً مِنْهُ فَارّاً إِلَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَتّی یدْخُلَ الْجَنَّة.

ای ابوذر! بنده خدا گناهی می کند و به سبب آن به بهشت می رود.

پس گفتم: یا رسول اللَّه پدرم و مادرم فدای تو باد چگونه ممکن است؟

فرمود: گناه را نصب العین خود قرار می دهد و همواره از آن توبه و فرار نموده و به خدا پناه می برد تا آن گاه که به بهشت در می آید.

يا أَباذَرٍ! اَلْكَيسُ مَنْ أَدَّبَ نَفْسَهُ وَ عَمِلَ لِما بَعْدَ الْمَوْتِ وَ الْعاجِزُ مَنِ اتَّبَعَ نَفْسَهُ وَ هَواها وَ تَمَنّى عَلَى اللّهِ عَزَّوَجَلَّ الْاَمانِى.

ای ابوذر! انسان زیرک و با کیاست کسی است که به تأدیب نفس خویش بپردازد و برای زندگی بعد از مرگ دست به کار شود و انسان ناتوان (که زیرکی ندارد) کسی است که به دنبال نفسش و خواهش های او برود و با آن حال از خدای عزوجل آرزوهایی داشته باشد.

يا أَباذَر! إِنَّ اَوَّلَ شَی ءٍ يرْفَعُ مِنْ هذِهِ الْاُمَّهِ الْامانَهُ وَ الْخُشُوعُ حَتّی لايكادُ يری خاشِعٌ.

ای ابوذر! نخستین چیزی که از امّت من برداشته می شود (صفت) امانت و خشوع است، تا آنجا که نزدیک است فردی با خشوع دیده نشود.

يا أَباذَرٍ! وَالَّذِی نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِیدِهِ لَوْ أَنَّ الدُّنْیا کانَتْ تَعْدِلُ عِنْدَاللَّهِ جَناحَ بَعُوضَهٍ أَوْ ذُبابٍ ما سَقی الْکافِرَ مِنْها شَرْبَهً مِنْ ماءٍ.

ای ابوذر! سوگند به خدایی که جان محمدصلی الله علیه وآله در دست اوست! اگر دنیا پیش خدا به قدر پر پشه یا مگسی ارزش داشت به انسان کافر حتی یک شربت آب از آن (دنیا) نمی داد.

يا أَباذَرٍ! الدُّنْيا مَلْعُونَةٌ وَ مَلْعُونٌ ما فِيها إِلاَّ مَا ابْتُغِی بِهِ وَجْهُ اللَّهِ وَ ما مِنْ شَی ءٍ اَبْغَضُ إِلَی اللَّهِ تَعالی ِمنَ الدُّنْيا خَلَقَها ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْها(6) فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيها وَ لا يَنْظُرُ إِلَيها حَتّی تَقُومَ السَّاعَةُ وَ ما مِنْ شَيئٍ أَحَبُّ إِلَی اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْاِيمانِ بِهِ وَ تَرْكِ ما اَمَرَ بِتَرْكِهِ.

ای ابوذر! دنیا و آنچه در آن است لعنت شده، مگر آنچه به وسیله آن تحصیل رضای الهی گردد(7) و پیش پروردگار تعالی چیزی مبغوض تر از دنیا نیست، آن را بیافرید سپس از آن اعراض فرمود و دیده رحمت از آن تا قیام قیامت ببرید و به سوی آن نظر نخواهد فرمود و هیچ چیزی در پیش او محبوب تر از ایمان به خدا و دوری جستن از محرّمات و گناهان نیست.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَ تَعالی أَوْحی إِلی اَخِی عِیسی یا عِیسی لاتُحِبَّ الدُّنْیا فَإِنِّی لَسْتُ أُحِبُّها، وَأُحِبَّ الْآخِرَةَ فَإِنَّما هِی دارُ الْمَعادِ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی به برادرم عیسی وحی فرمود: ای عیسی! دنیا را دوست مدار زیرا من آن را دوست ندارم و آخرت را دوست بدار، زیرا که فقط همانجا خانه بازگشت است.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ جَبْرَئِيلَ اَتانِى بِخَزائِنِ الدُّنْيا عَلى بَغْلَهٍ شَهْباَءَ فَقالَ لِى: يا مُحَمَّدُ! هذِهِ خَزائِنُ الدُّنْيا وَ لايَنْقُصُکَ مِنْ حَظِّکَ عِنْدَ رَبِّکَ.

فَقُلْتُ: حَبِيبِى جَبْرَئِيلُ لا حاجَهَ لِى فِيها، إِذا شَبِعْتُ شَکَرْتُ رَبِّى وَ إِذا جُعْتُ سَئَلْتُهُ.

ای ابوذر! همانا جبرئیل گنج های جهان را بر أستری رنگارنگ پیش من آورد پس به من گفت: ای محمّد! این ها گنج های دنیاست، (بگیر و بدان) که چیزی از نصیب تو را پیش پروردگارت نخواهد کاست.

پس گفتم: حبیب من جبرئیل مرا در آن ها نیازی نیست، من هرگاه سیر شدم خدا را سپاس می گویم و هرگاه گرسنه شدم از او سؤال می کنم.

يا أَبادَرٍ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذا اَرادَ بِعَبْدٍ خَيراً فَقَّهَهُ فِى الدِّينَ وَ زَهَّدَهُ فِى الدُّنْيا وَ بَصَّرَهُ بِعُيوبِ نَفْسِهِ.

ای ابوذر! خدای عزّوجلّ هرگاه خیر کسی را بخواهد او را در دین فقیه (و دانا) می سازد و در دنیا زاهد می گرداند و او را به عیب های خویش بینا می سازد.

يا أَباذَرٍ! ما زَهَدَ عَبْدٌ فِی الدُّنْیا إِلاَّ اَنْبَتَ(8) اللَّهُ الْحِکْمَهَ فِی قَلْبِهِ وَ اَنْطَقَ بِها لِسانَهُ وَ بَصَّرَهُ عُیوبَ الدُّنْیا وَ دائَها وَ دَوائَها وَ اَخْرَجَهُ مِنْها سالِماً إِلی دارِالسَّلامِ.

ای ابوذر! بنده ای در دنیا زهد نورزید مگر این که خدا حکمت را در دلش رویاند (یا در قلب او جایگزین می کند) و زبانش را به آن گویا ساخته و او را به عیب های دنیا، دردها و دواهای آن بینا و آشنا گردانیده و او را سالم از دنیا به سوی بهشت بیرون می برد.

يا أَباذَرٍ! إِذا رَأَيتَ أَخاکَ قَدْ زَهِدَ فِی الدُّنْيا فَاسْتَمِعْ مِنْهُ فَإِنَّهُ يلْقِی إِلَيکَ الْحِکْمَةَ.

قُلْتُ: يا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ اَزْهَدُ النَّاسِ؟

قالَ صلی الله عليه وآله: مَنْ لَمْ ينْسَ الْمَقابِرَ وَ الْبِلی وَ تَرَکَ فَضْلَ زِينَهِ الدُّنْيا وَ اثَرَ ما يبْقی عَلی ما يفْنی وَ لَمْ يعُدَّ غَدَاً مِنْ اَيامِهِ وَ عَدَّ نَفْسَهُ فِی الْمَوْتی

ای ابوذر! آن گاه که دیدی برادر تو در دنیا زهد می ورزد و به دنیا بی علاقه است به سخنان او گوش ده، زیرا او به تو حکمت فرا می خواند.

گفتم: یا رسول اللَّه! زاهدترین مردم کیست؟

فرمود: کسی که قبور و پوسیدن اجساد را فراموش نکند و زیادی زینت دنیا را ترک کند و آنچه را باقی می ماند (آخرت) بر آنچه فانی و نابود می شود (دنیا) ترجیح دهد و فردا را از عمر خویش نشمرده و خود را در میان مردگان به شمار آورد.

يا أَباذَر! إِنَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَ تَعالی لَمْ يوحِ إِلَی أَنْ اَجْمَعَ الْمالَ وَلکِنْ أَوْحی إِلَی أَنْ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَ کُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ وَ اعْبُدْ رَبَّکَ حَتّی يأْتِيکَ الْيقِينُ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی به من وحی نفرموده است که مال و ثروت گردآوری کنم، بلکه به من وحی فرمود که (به پاس نعمت های پروردگارت) او را تسبیح و تقدیس نما و (به من وحی فرمود که) از سجده کنندگان باش و تا آن گاه که مرگ (که یقین است) به تو فرا رسد او را عبادت کن.

يا أَباذَرٍ! إِنِّی اَلْبَسُ الْغَلِیظَ وَ اَجْلِسُ عَلَی الْاَرْضِ وَ اَلْعَقُ اَصابِعِی وَ اَرْکَبُ الْحِمارَ بِغَیرِ سَرْجٍ وَ اَرْدِفُ خَلْفِی فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِی فَلَیسَ مِنِّی.

ای ابوذر! من لباس خشن می پوشم و بر زمین می نشینم و انگشتان خود را (هنگام خوردن طعام) لیس می زنم و بر الاغ بی زین سوار می شوم و دیگری را در پشت سر خود سوار می کنم، پس هرکس از شیوه رفتار من روی بتابد از من نیست.

يا أَباذَرٍ! حُبُّ الْمالِ وَ الشَّرَفِ اَذْهَبُ لِدِينِ الرَّجُلِ مِنْ ذِئْبَينِ ضارِيينِ فِی زَرْبِ الغَنَمِ فَاَغارَا فِيها حَتّی اَصْبَحا فَماذا اَبْقَيا مِنْها.

قُلْتُ: يا رَسُولَ اللَّهِ الْخائِفُونَ الْخاضِعُونَ الْمُتَواضِعُونَ الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيراً أَهُمْ يسْبِقُونَ النَّاسَ إِلی الجَنَّهِ؟

قالَ: لا، وَلكِنْ فُقَرآءُ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّهُمْ يتَخَطَّوْنَ رِقابَ النَّاسِ فَيقُولُ لَهُمْ خَزَنَهُ الْجَنَّهِ كَما أَنْتُمْ حَتّی تُحاسَبُواَ فَيقُولُونَ بِمَ نُحاسَبُ فَوَاللَّهِ ما مَلَكْنا فَنَجُورَ وَ نَعْدِلَ وَ لا أُفِيضَ عَلَينا فَنَقْبِضَ وَ نَبْسُطَ وَلَكِنَّا عَبَدْنا رَبَّنا حَتّی دَعانا فَاَجَبْنا.

ای ابوذر! دوستی مال و شرف و مقام دنیوی، بر دین مرد، از دو گرگ خونخوار بر گله گوسفند بیشتر صدمه می زند که (شبانه) بر آن هجوم آورند تا صبحگاه چه از گوسفندان به جای بگذارند؟!

گفتم: یا رسول اللَّه! کسانی که از خدا همی ترسند و خاضع و متواضعند و خدا را زیاد یاد می کنند آیا آنان به دیگران در بهشت سبقت خواهند جست؟

فرمود: نه، بلکه بینوایان مسلمین، قدم بر شانه های مردم نهاده و به سوی بهشت روان خواهند شد، آن گاه خزانه داران بهشت می گویند: به جای خویش باشید تا درباره شما حساب به عمل آید، پاسخ می دهند. بر چه ما را حساب خواهند نمود، به خدا قسم ما حکومتی نداشتیم تا جور

و ستم بکنیم و (یا) عدل و داد به کار بندیم و ثروتی به ما داده نشده بود که ببخشیم و (یا) بخل ورزیم ولکن ما پروردگار خود را عبادت و بندگی کردیم تا دعوت حقّ را لبیک گفتیم.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ الدُّنْيا مُشْغِلَهٌ لِلْقُلُوبِ وَ الْاَبْدانِ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَ تَعالی سائِلُنا عَمَّا نَعِمْنا فِی حَلالِهِ فَکَیفَ بِما نَعِمْنا فِی حَرامِهِ.

ای ابوذر! دنیا دل و جان و تن مردم را به خود مشغول می دارد و به حقیقت که خداوند تبارک و تعالی ما را از نعمت های حلال که به ما ارزانی شده مورد بازجویی قرار خواهد داد تا چه رسد به نعمت هایی که از حرام به دست آمده است.

يا أَباذَرٍ! إِنِّی قَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلالُهُ أَنْ يجْعَلَ رِزْقَ مَنْ يحِبُّنِی الْكِفافَ وَ أَنْ يعْطِی مَنْ يبْغِضُنِی كَثْرَةَ الْمالِ وَ الْوَلَدِ.

ای ابوذر! من از خدا (جل جلاله) خواسته ام که روزی دوستداران مرا به قدر حاجت قرار دهد و مال و فرزند دشمنان مرا زیاد گرداند.

یا أَباذَرٍ! طُوبی لِلزَّاهِدِینَ فِی الدُّنْیا الرَّاغِبِینَ فِی الْاخِرَهِ الَّذِینَ اتَّخَذُوا أَرْضَ اللَّهِ بِساطاً وَ تُرابَها فِراشاً وَ مائَها طِیباً وَ اتَّخَذُوا کِتابَ اللَّهِ شِعاراً وَ دُعائَهُ دِثاراً یقْرِضُونَ الدُّنْیا قَرْضاً.

ای ابوذر! خوشا به حال کسانی که در دنیا زهد ورزیده و به آخرت دل بستند، زمین خدا را بساط و خاک آن را فرش و آب آن را عطر خویش قرار داده اند و کتاب خدا را همانند پیراهن زیرین نزدیک به خود ساخته اند و دعاء (و خواندن خدا) را به منزله لباس رویی خود گردانیده اند،(9) خود را از دنیا بریده و جدا می سازند.

يا أَباذَرٍ! حَرْثُ الْآخِرَهِ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ حَرْثُ الدُّنْيا الْمالُ وَ الْبَنُونَ.(10)

ای ابوذر! کِشت و زرع آخرت، کردار شایسته (عمل صالح) است و کِشت و زراعت دنیا، مال و فرزندان است.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ رَبِّی أَخْبَرَنِی فَقالَ: وَ عِزَّتِی وَ جَلالِی ما أَدْرَکَ الْعابِدُونَ دَرَکَ الْبُکآءِ عِنْدِی وَ إِنِّی لَاَبْنِی لَهُمْ فِی الرَّفِیقِ الْاَعْلی قَصْراً لایشْرِکُهُمْ فِیهِ أَحَدٌ.

قالَ: قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ أَی الْمُؤْمِنِینَ أَکْیسُ؟

قالَ: اَکْثَرُهُمْ لِلْمَوْتِ ذِکْراً وَ أَحْسَنُهُمْ لَهُ إِسْتِعْداداً.

ای ابوذر! پروردگار من به من چنین اعلام فرموده است: به عزّت و جلالم سوگند عبادتگران به قدر آن پاداش که در نزد من برای گریه (از ترس خدا) تعیین شده است دریافت نخواهند داشت و من برای گریه کننده در عالی ترین مراتب بهشت قصری به پا خواهم داشت که دیگری در آن شریک نشود.

گفتم: یا رسول اللَّه! کدام یک از مؤمنان زیرک تر است؟

فرمود: آن کس که از همه بیشتر به یاد مرگ باشد و خود را بهتر از همه به استقبال آن آماده سازد.

يا أَباذَرٍ! إِذا دَخَلَ النُّورُ الْقَلْبَ إِنْفَسَحَ الْقَلْبُ وَ اسْتَوْسَعَ.

قُلْتُ: فَما عَلامَهُ ذلِکَ؟ بِاَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یا رَسُولَ اللَّهِ!

قالَ: اَلْاِنابَهُ إِلی دارِ الْخُلُودِ وَ التَّجافِی عَنْ دارِ الْغُرُورِ وَ الْاِسْتِعْدادُ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نُزُولِهِ.

ای ابوذر! هرگاه نور در دل تابید، دل گشاده و فراخ می گردد.

گفتم: یا رسول اللّه! پدر و مادرم فدای تو باد، نشانه آن چیست؟

فرمود: علامت آن میل به سوی آخرت و کنار رفتن از فریبکاری دنیا و آمادگی به مرگ، پیش از رسیدن آن است.

يا أَباذَرٍ! إِتَّقِ اللَّهَ وَ لاتَرى النّاسَ أَنَّکَ تَخْشى اللَّهَ فَيکْرِمُوکَ وَ قَلْبُکَ فاجِرٌ.

ای ابوذر! از خدا بترس و مردم تو را نبینند که تو از خدای (بزرگ) می ترسی تا تو را به سبب آن گرامی دارند در صورتی که دل تو به فکر گناه است.

يا أَباذَرٍ! لِيكُنْ لَکَ فِی کُلِّ شَی ءٍ نِیهٌ (صالِحَهٌ) فِی النَّوْمِ وَ الْاَکْلِ.

ای ابوذر! در هر چیز (حتی) در خوردن و خوابیدن، دارای نیت نیک باش.

يا أَباذَر! لِيعْظُمْ جَلالُ اللَّهِ فِی صَدْرِکَ فَلا تَذْکُرُهُ کَما یذْکُرُهُ الْجاهِلُ عِنْدَ الْکَلْبِ اَللَّهُمَّ اخْزِهِ وَ عِنْدَ الْخِنْزِیرَ اَللَّهُمَّ اخْزِهِ.

ای ابوذر! باید جلال (و عظمت) پروردگار عالم در دل تو عظیم و بزرگ باشد و او را سبک یاد نکنی، چنان که مردمان جاهل و نادان هنگامی که سگ و خوک را می بینند می گویند خدایا او را خوار کن.

يا أَباذَر! إِنَّ لِلَّهِ مَلائِكَةً قِياماً مِنْ خِيفَتِهِ ما رَفَعُوا رُؤُسَهُمْ حَتّى ينْفَخُ فِى الصُّورِ النَّفْخَةُ الْآخِرَةُ فَيقُولُونَ جَمِيعاً:

سُبْحانَکَ وَ بِحَمْدِکَ ما عَبَدْناکَ کَما ينْبَغِى لَکَ أَنْ تُعْبَدَ.

وَلَوْ کانَ لِرَجُلٍ عَمَلُ سَبْعِينَ نَبِياً لاَسْتَقَلَّ عَمَلَهُ مِنْ شِدَّهِ ما يرى يوْمَئِذٍ وَ لَوْ أَنَّ دَلْواً صُبَّ مِنْ غِسْلِينٍ فِى مَطْلَعِ الشَّمْسِ لَغَلَتْ مِنْهُ جَماجِمُ مَنْ فِى مَغْرِبِها وَ لَوْ زَفَرَتْ جَهَنَّمُ زَفْرَةً لَمْ يبْقَ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ وَ لا نَبِى مُرْسَلٌ إِلاَّ خَرَّجاثِياً لِرُکْبَتَيهِ يقُولُ: نَفْسِى نَفْسِى حَتّى ينْسى إِبْراهِيمُ اِسْحاقَ يقُولُ يا رَبِّ أَنَا خَلِيلُکَ إِبْراهِيمُ فَلا تَنْسَنِى.

ای ابوذر! خدا فرشتگانی دارد که از ترس او همواره برپا ایستاده اند، سرهای خود را به زیر انداخته اند تا روز قیامت که در صور دمیده شود، آن گاه همگی می گویند:

منزّه و پاکی تو، و سپاس توراست، ما تو را آن گونه که سزاوار توست بندگی نکردیم.

و در آن روز اگر مردی دارای عمل هفتاد پیامبر باشد، آن را از شدت آنچه در آن روز می بیند کم می شمارد و اگر سطلی از چرک و ریم دوزخ در مشرق زمین بریزند مغز سر کسانی که در مغرب زمینند به جوش می آید و اگر جهنّم به خروش آید، هیچ ملک مقرّب و پیغمبر مرسلی نمی ماند مگر به زانو در می آید و می گویند: پروردگارا نجاتم

را می خواهم، نجاتم را، حتی ابراهیم علیه السلام اسحاق فرزند خود را از یاد می برد و می گوید پروردگارا من خلیل تو ابراهیم هستم، پس مرا فراموش منما.

يا أَباذَرٍ! لَوْ أَنَّ امْرَأَةً مِنْ نِسآءِ أَهْلِ الْجَنَّهِ اَطْلَعَتْ مِنْ سَمآءِ الدُّنْيا فِى لَيلَهٍ ظَلْمآءَ لَأَضآءَتْ لَهَا الْأَرْضُ أَفْضَلَ يضِيئُهَا الْقَمَرُ لَيلَهَ الْبَدْرِ وَ لَوَجَدَ رِيحَ نَشْرِها جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ وَلَوْ أَنَّ ثَوْباً مِنْ ثِيابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ نُشِرَ الْيوْمَ فِى الدُّنْيا لَصَعِقَ مَنْ ينْظُرُ إِلَيهِ وَ ما حَمَلَتْهُ أَبْصارُهُمْ.

ای ابوذر! اگر زنی از زنان اهل بهشت از آسمان دنیا سر خویش را در میان شب تاری نمایان سازد، زمین از تابش آن بیشتر از تابش ماه شب چهارده روشن گردد و عطری که از (پریشان کردن زلف) او بلند شود به مشام تمامی اهل زمین برسد و اگر یکی از لباس های اهل بهشت، امروز در دنیا گشوده شود هرکس در آن بنگرد از هوش برود و دیدگان مردم تاب دیدن آن را نیاورد.

يا أَباذَرٍ! إِخْفَضْ صَوْتَکَ عِنْدَ الْجَنائِزِ وَ عِنْدَ الْقِتالِ وَ عِنْدَ الْقُرْآنِ.

ای ابوذر! آواز (صدای) خود را نزد جنازه ها و هنگام جنگ (با دشمنان دین) و هنگام تلاوت قرآن آهسته ساز.

يا أَباذَرٍ! إِذا تَبَعْتَ جَنازَةً فَلْيكُنْ عَمَلُکَ فِيهَا التَّفَكُّرَ وَ الْخُشُوعَ وَ اعْلَمْ أَنَّکَ لاحِقٌ بِهِ.

ای ابوذر! هنگامی که دنبال جنازه می روی پس باید کار تو در آن حال، تفکّر و خشوع باشد و بدان که تو نیز به او ملحق خواهی شد.

يا أَباذَرٍ! إِعْلَمْ أَنَّ لِكُلِّ شَيئٍ إِذا فَسَدَ فَالْمِلْحُ دَواؤُهُ وَ إِذا فَسَدَ الْمِلْحُ فَلَيسَ لَهُ دَواءٌ وَ اعْلَمْ أَنَّ فِيكُمْ خُلْقَينِ الضِّحْکَ مِنْ غَيرِ عَجَبٍ وَ الْكَسَلَ مِنْ غَيرِ سَهَرٍ.

ای ابوذر! بدان که برای جلوگیری از فساد هرچیز، نمک دوای آن است، ولی هرگاه نمک فاسد گردد دوایی برای آن نیست، و بدان که در بین شما دو صفت (ناپسند است) یکی خنده کردن بدون تعجب و دیگری کسالت بدون بی خوابی کشیدن (در عبادت خداوند عالم) در آخر شب.

يا أَباذَرٍ! رَكْعَتانِ مُقْتَصِدَتانِ فِی تَفَکُّرٍ خَیرٌ مِنْ قِیامِ لَیلَهٍ وَ الْقَلْبُ ساهٍ.

ای ابوذر! دو رکعت نماز میانه (غیر طولانی که زیاد سبک هم نباشد) با توجّه و تفکّر انجام یابد بهتر از یک شب به عبادت ایستادن است در حالی که قلب از اندیشه عبادت غفلت داشته باشد.

يا أَبا ذَرٍ! اَلْحَقُّ ثَقِيلٌ مُرٌّ وَ الْباطِلُ خَفِيفٌ حُلْوٌ وَ رُبَّ شَهْوَةِ ساعَةٍ ثُورِثُ حُزْناً طَوِيلاً.

ای ابوذر! حقّ، سنگین و تلخ است، و باطل سبک و شیرین است و چه بسا هوسرانی یک ساعت (در دنیا) باعث حزن و غم طولانی (در آخرت) می گردد (و چه بسا در دنیا هم).

یا أَباذَرٍ! لا یفْقَهُ الرَّجُلُ کُلَّ الْفِقْهِ حَتّی یری النَّاسَ فِی جَنْبِ اللَّهِ تَعالی اَمْثالَ الْاَباعِرِ ثُمَّ یرْجِعَ إِلی نَفْسِهِ فَیکُونُ هُوَ اَحْقَرَ حاقِرٍ لَها.

ای ابوذر! مرد، فقیه تمام فقیه نمی شود تا مردم را در جنب عظمت خدای تعالی به مانند شتران بی ادراک بیند، سپس به خود نگریسته و خود را کمتر از آنان بیابد.

يا أَباذَرٍ! لا تُصِيبُ حَقِيقَةَ الْإِيمانِ حَتّى تَرى النَّاسَ كُلَّهُمْ حَمْقى فِى دِينِهِمْ عُقَلاءَ فِى دُنْياهُمْ.

ای ابوذر! تو به حقیقت ایمان نمی رسی تا همه مردم را در دین خود ابله و در دنیای خود عاقل ببینی.(11)

يا أَباذَرٍ! حاسِبْ نَفْسَکَ قَبْلَ أَنْ تُحاسَبَ فَهُوَ أَهْونُ لِحِسابِکَ غَداً وَ زِنْ نَفْسَکَ قَبْلَ أَنْ تُوْزَنَ وَ تَجَهَّزْ لِلْعَرْضِ الْاَکْبَرِ يوْمَ تُعْرَضُ لا تَخْفى عَلَى اللّهِ مِنْکَ خافِيهٌ.

ای ابوذر! تو خود به حساب خودت پیش از آن که تو را به پای محاسبه آرند برس، تا فردا محاسبه بر تو آسان گردد و خویشتن را بسنج پیش از آن که تو را بسنجند و برای عرضه بزرگ به پیشگاه خدا روز رستاخیز آمادگی پیدا کن که هیچ چیز از تو بر خدا پنهان نمی ماند.

يا أَباذَرٍ! اِسْتَحْی مِنَ اللَّهِ فَإِنِّی وَ الَّذِی نَفْسِی بِیدِهِ لا اَزالُ حِینَ أَذْهَبُ إِلی الْغائِطِ مُتَقَنِّعاً بِثَوْبِی اَسْتَحْیی مِنَ الْمَلَکَینِ الَّذَینِ مَعِی.

ای ابوذر! از خدا حیا کن، به خدایی که جانم در کف اختیار اوست هر وقت برای تطهیر می روم سر و روی خودم را با لباسم می پوشانم و از آن دو فرشته که با من همراهند حیا می کنم.

يا أَباذَرٍ! أَتُحِبُّ أَنْ تَدْخُلَ الْجَنَّةَ؟

قُلْتُ: نَعَمْ فِداکَ أَبِی وَ أُمِّی.

قالَ: فَاقْصِرِ مِنَ الْاَمَلِ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ نَصْبَ عَینَیکَ وَ اسْتَحْی مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَیآءِ.

قالَ: قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ! کُلُّنا نَسْتَحْیی مِنَ اللَّهِ.

قالَ: لَیسَ ذَلِکَ الْحَیآءُ وَلکِنَّ الْحَیآءَ مِنَ اللَّهِ أَنْ لاتَنْسَی الْمَقابِرَ وَ الْبِلی وَ تَحفَظُ الْجَوْفَ وَ ما وَعی وَ الرَّأْسَ وَ ما حَوی وَ مَنْ اَرادَ کَرامَةَ الْآخِرَهِ فَلْیدَعْ زِینَةَ الدُّنْیا فَإِذا کُنْتَ کَذلِکَ أَصَبْتَ وِلایةَ اللَّهِ.

ای ابوذر! آیا دوست داری که به بهشت درآیی؟

گفتم: آری، پدر و مادرم به فدایت.

فرمود: پس آرزو را کوتاه کن و مرگ را نصب العین خویش گردان و از خدا چنان که لازم است حیا کن.

گفتم: یا رسول اللّه! همه ما از خدا حیا می کنیم؟

فرمود: حیا از خدا چنان نیست (که به نظر می رسد) لکن حیا از خدا آن است که گورها و پوسیدن در آن را فراموش نکنی و جوف (یعنی شکم و عورت) و هرچه در آن است و سر و آنچه در آن است (یعنی اعضاء داخلی و چشم و گوش و زبان را) کنترل کنی (از حرام و گناه نگه داری)، هرکس کرامت و بزرگی آخرت را بخواهد باید زینت دنیا را ترک نماید، پس آن گاه که چنین باشی (یا بشوی) به مقام دوستی

خدا رسیده ای.

يا أَباذَرٍ! يكْفِى مِنَ الدُّعآءِ مَعَ الْبِرِّ ما يكْفِى الطَّعامَ مِنَ الْمِلْحِ.

ای ابوذر! کافی است از دعا با کردارهای شایسته، آن مقدار که از نمک برای طعام کافی است.

يا أَباذَرٍ! مَثَلُ الَّذِی یدْعُو بِغَیرِ عَمَلٍ کَمَثَلِ الَّذِی یرْمِی بَغَیرِ وَتَرٍ.

ای ابوذر! مثل کسی که بدون عمل (شایسته) دعا می کند، مانند کسی است که بدون زه کمان را برای تیراندازی می کشد.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ يصْلِحُ بَصَلاحِ الْعَبْدِ وُلْدَهُ وَ وُلْدَ وُلْدِهِ وَ يحْفَظُهُ فِی دُوَيرَتِهِ وَ الدُّورَ حَوْلَهُ مادامَ فِيهِمْ.

ای ابوذر! خداوند به وسیله صالح بودن شخصی اصلاح می کند فرزندان و فرزندان فرزندان او را و حرمت او را درباره خانه و خانه های مجاورش مادامی که در میان آنان است نگهداری می کند.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ رَبَّکَ عَزَّوَجَلَّ يباهِی الْمَلائِکَهَ بِثَلاثَهِ نَفَرٍ؛ رَجُلٌ فِی أَرْضٍ قَفْرٍ فَيؤَذِّنُ ثُمَّ يقِيمُ ثُمَّ يصَلِّی، فَيقُولُ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَهِ أَنْظُرُوا إِلی عَبْدِی يصَلِّی وَ لا يراهُ أَحَدٌ غَيرِی فَينْزِلُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ يصَلُّونَ وَ راءَهُ وَ يسْتَغْفِرُونَ لَهُ إِلی الْغَدِ مِنْ ذلِکَ الْيوْم وَ رَجُلٌ قامَ مِنَ اللَّيلِ فَصَلّی وَحْدَهُ فَسَجَدَ وَ نامَ وَ هُوَ ساجِدٌ، فَيقُولُ تَعالی اُنْظُرُوا إِلی عَبْدِی رُوحُهُ عِنْدِی وَ جَسَدُهُ ساجِدٌ وَ رَجُلٌ فِی زَحْفٍ يفِرُّ اَصْحابُهُ وَ يثْبُتُ هُوَ يقاتِلُ حَتّی يقْتَلَ.

ای ابوذر! پرودگار عزیز و جلیلِ تو با سه شخص بر فرشتگان مباهات می کند:

1 - مردی که در میان بیابان اذان و بعد اقامه بگوید و بعد نماز به پا دارد. پس پروردگارت به فرشتگان می فرماید: به بنده ام بنگرید، نماز می خواند در حالی که کسی غیر از من او را نمی بیند. آن گاه هفتاد هزار ملک نازل می گردند و دنبال او نماز می گزارند و تا فردای آن روز برای او (از خدا) آمرزش می خواهند.

2 - مردی که پاسی از شب از جا بلند شود و به تنهایی نماز بخواند پس سجده کند و در حال سجده به خواب رود، خدای تعالی می فرماید: بنگرید به بنده من که روح او پیش من و تنش در سجده است.

3 - مردی که در میدان جهاد باشد، همراهانش

فرار کنند و او ثابت قدم به جهاد پردازد تا کشته شود.

يا أَباذَرٍ! ما مِنْ رَجُلٍ يجْعَلُ جَبْهَتَهُ فِی بُقْعَهٍ مِنْ بِقاعِ الْاَرْضِ إِلاَّ شَهِدَتْ لَهُ بِها يوْمَ الْقِيامَهِ وَ ما مِنْ مَنْزِلٍ ينْزِلُهُ قَوْمٌ إِلاَّ وَ اَصْبَحَ ذالِکَ الْمَنْزِلُ يصَلِّی عَلَيهِمْ أَوْ يلْعَنُهُمْ.

ای ابوذر! هیچ مردی پیشانی خود را به نقطه ای از نقاط زمین نمی گذارد مگر این که آن نقطه زمین در روز قیامت بر آن (سجده به نفع او) شهادت دهد و منزلی نیست که گروهی در آن فرود آیند مگر سحرگاهان همان منزل بر آنان صلوات می فرستد یا لعنشان می کند.

يا أَباذَرٍ! ما مِنْ صَباحٍ وَ لا رَواحٍ إِلاَّ وَ بِقاعُ الْأَرْضِ ينادِی بَعْضُها بَعْضاً: يا جارَه هَلْ مَرَّ بِكِ ذاكِرُ اللَّهِ تَعالی أَوْ عَبْدٌ وَضَعَ جَبْهَتَهُ عَلَيكِ ساجِداً لِلَّهِ ؟ فَمِن قائِلَهٍ لا وَ مِنْ قائِلَهٍ نَعَمْ، فَإِذا قالَتْ نَعَمْ اِهْتَزَّتْ وَ ابْتَهَجَتْ وَ تَری أَنَّ لَها الْفَضْلَ عَلی جارَتِها.

ای ابوذر! هیچ صبح و شام نیست مگر نقاط زمین همدیگر را ندا می کنند: ای همسایه من آیا بر تو گذشت کسی که ذکر و یاد خدای متعال را نماید، یا بنده ای که پیشانی خویش برای سجده برای خدا بر تو نهد؟ برخی گویند آری و برخی گویند نه، هرکدام که آری بگوید بر خود می بالد و شاد می گردد و خود را بر دیگری برتر می بیند.

يا أَباذَر! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَناؤُهُ لَمَّا خَلَقَ الْأَرْضَ وَ خَلَقَ ما فِيها مِنَ الشَّجَرِ لَمْ تَكُنْ فِي الْأَرْضِ شَجَرَةٌ يأتِيها بَنُو آدَمَ إِلاَّ اَصابُوا مِنْها مَنْفَعَةً فَلَمْ تَزَلِ الْأَرْضُ وَ الشَّجَرُ كَذلِكَ حَتّى تَكَلَّمَ فَجَرَةُ بَنِى ادَمَ بِالْكَلِمَهِ الْعَظِيمَهِ قَوْلِهِمْ: «اِتَّخَذَ اللَّهُ وَلَداً» فَلَمَّا قَالُوها اِقْشَعَرَّتِ الْاَرْضُ وَ ذَهَبَتْ مَنْفَعَهُ الْاَشْجارِ.

ای ابوذر! آن گاه که خدا - جل ثنائه - زمین و درختانی که در آن است را بیافرید به هر درختی که فرزندان آدم می رسیدند منتفع می گشتند و زمین و درختان همین گونه بودند، تا آن گاه که گناهکاران فرزندان آدم به آن کلمه (نادرست) بزرگ تکلم کردند و به خدا نسبت پدر و فرزندی دادند چون آن سخن بگفتند زمین بر خود بلرزید و نفع درختان از میان رفت.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ الاَرْضَ لَتَبْكِی عَلَی المُؤْمِنِ إِذا ماتَ اَرْبَعِينَ صَباحاً.

ای ابوذر! همانا که زمین، بر مؤمن تا چهل روز بعد از موت او می گرید.

يا أَباذَر! إذا كَانَ الْعَبْدُ فِی أَرْضٍ قَفْرٍ فَتَوَضَّأَ أَوْ تَيمَّمَ ثُمَّ اَذَّنَ وَ اَقامَ وَ صَلّی اَمَرَ للَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْمَلائِكَهَ فَصَفُّواً خَلْفَهُ صَفّاً لايری طَرَفاهُ يرْكَعُونَ بِرُكُوعِهِ وَ يسْجُدُونَ بِسُجُودِهِ وَ يؤَمِّنُونَ عَلی دُعائِهِ.

ای ابوذر! هرگاه بنده ای در بیابانی تنها باشد، پس وضو بسازد و یا تیمم کند (اگر آب نباشد) سپس اذان و اقامه بگوید و نماز بخواند، خدای عزیز و جلیل فرشتگان را امر کند پشت سر اوصفی تشکیل دهند که دو طرف آن دیده نمی شود و به رکوع او رکوع و به سجودش سجده نمایند و به دعای او آمین گویند.

يا أَباذَرٍ! مَنْ اَقامَ وَ لَمْ يؤَذِّن لَمْ يصَلِّ مَعَهُ إِلاَّ مَلَكاهُ اللَّذانِ مَعَهُ.

ای ابوذر!هر کس برای نماز، اقامه بگوید و اذان نگوید، با او جز آن دو ملک که با وی هستند نماز نمی خوانند.

يا أَباذَر! ما مِنْ شَابٍّ يدَعُ للَّهِ الدُّنْيا وَ لَهْوَها وَ اَهْرَمَ شَبابَهُ فِی طاعَهِ اللَّهِ إِلاَّ اَعْطاهُ اللَّهُ اَجْرَ اِثْنَینِ وَ سَبْعِینَ صِدّیقاً.

ای ابوذر! هر جوانی که برای خدا، دنیا و لهو آن را ترک نماید و جوانی خود را در اطاعت خدا به پیری رساند، خدا هم به او اجر و ثواب هفتاد و دو صدّیق عطا فرماید.

يا أَباذَرٍ! الذَّاكِرُ فِی الْغافِلِینَ کَالْمُقاتِلِ فِی الْفارّینَ.

ای ابوذر! کسی که در میان غافلان خدا را یاد کند مانند کسی می باشد که در میان فرارکنندگان، جهاد کند.

يا أَباذَر! الْجَلِيسُ الصّالِحُ خَيرٌ مِنَ الْوَحْدَهِ وَ الْوَحْدَهُ خَيرٌ مِنَ جَلِيسِ السَّوءِ وَ اِمْلآءُ الْخَيرِ خَيرٌ مِنَ السُّكُوتِ وَ السُّكُوتُ خَيرٌ مِنَ اِمْلآءِ الشَّرِّ.

ای ابوذر! همنشین نیکو بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از همنشین بد است و بیان خیر بهتر از سکوت و سکوت بهتر از بیان و گفتار شر است.

يا أَباذَرٍ! لا تُصاحِبْ إلاَّ مُؤْمِناً وَ لايأْكُلْ طَعامَکَ إلاَّ تَقِي وَ لا تَأْكُلُ طَعامَ الْفاسِقِينَ. يا اَباذَرٍ! اَطْعِمْ طَعامَکَ مَنْ تُحِبُّهُ فِی اللّٰهِ وَ كُلْ طَعامَ مَنْ يحِبُّکَ فِی اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ.

ای ابوذر! همنشینی مکن جز با افراد با ایمان و طعام تو را جز شخص پرهیزکار نخورد، تو نیز طعام افراد فاسق را نخور.

ای ابوذر! به کسی طعام خود را بخوران که در راه خدا او را دوست می داری، تو نیز طعام کسی را بخور که تو را در راه خدای عزوجّل دوست می دارد.

يا أَباذَرٍ! اِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَ لِسانِ كُلِّ قائِلٍ فَلْيتَّقِ اللَّهَ اِمْرُءٌ وَ لْيعْلَمْ ما يقُولُ.

ای ابوذر! خداوند عزّوجلّ نزد زبان هرگوینده ای است، پس باید سخن گو از خدا بترسد وباید بداند چه می گوید.

يا أَباذَرٍ! اُتْرُکْ فُضُولَ الْکَلامِ وَ حَسْبُکَ مِنَ الْکَلامِ ما تَبْلُغُ بِهِ حاجَتَکَ.

ای ابوذر! از گفتن سخنان زائد و لغو خودداری کن، تو را از سخن همان بس که رفع احتیاجت را بنماید.

يا أَباذَرٍ! كَفى بِالْمَرْءِ كِذْباً أَنْ يحَدِّثَ بِكُلِّ ما يسْمَعُ.

ای ابوذر! در دروغگو بودن کافی است که شخص هرچه می شنود نقل نماید.

يا أَباذَرٍ! ما مِنْ شَی ءٍ اَحَقُّ بِطُولِ السِّجْنِ مِنَ اللِّسانِ.

ای ابوذر! برای زندان طولانی هیچ چیز سزاوارتر از زبان نیست.

يا أَباذَرٍ! مِنْ اِجْلالِ اللَّهِ تَعالى اِكْرامُ ذِى الشَّيبَهِ الْمُسْلِمِ وَ اِكْرامُ حَمَلَهِ الْقُرْآنِ الْعامِلِينَ وَ اِكْرامُ السُّلْطانِ الْمُقْسِطِ.

ای ابوذر! از (مصادیق) بزرگداشت و تعظیم خدای تبارک وتعالی: احترام به پیرمرد ریش سفیدِ مسلمان و احترام به حاملان قرآن که بر طبق دستورات آن رفتار می نمایند و احترام به سلطان دادگر است.

يا أَباذَرٍ! ما عَمِلَ مَنْ لَمْ يحْفَظْ لِسانَهُ، يا اَباذَرْ لاتَكُنْ عَياباً وَ لا مَدَّاحاً وَ لا طَعَّاناً وَ لا مُمارِياً.

ای ابوذر! کسی که زبانش را (از بدی) نگهداری نکند، عمل (خیری و خوبی) برای او نیست. ای ابوذر! عیب جو و ثناخوان و طعنه زن و ستیزه جو مباش.

يا أَباذَرٍ! لايزالُ الْعَبْدُ يزْدادُ مِنَ اللَّهِ بُعْداً ما سآءَ خُلْقُهُ.

ای ابوذر! مادامی که بنده ای سوء خلق دارد (بداخلاقی می کند) از خدا دورتر می شود.

يا أَباذَرٍ! الْكَلِمَهُ الطَيبَهُ صَدَقَهٌ وَ كُلُّ خُطْوَهٍ تَخْطُوها إِلَى الصَّلواهِ صَدَقَهٌ.

ای ابوذر! سخن پاک (از گناه و بدی) صدقه است و هر قدم که به سوی نماز (جماعت و مسجد) بر می داری صدقه است (برای خداست و ثواب صدقه دارد.)

یا أَباذَر! مَنْ اَجابَ داعِی اللَّهِ وَ اَحْسنَ عِمارَهَ مَساجِدِ اللَّهِ کانَ ثَوابُهُ مِنَ اللَّهِ، الْجَنَّهَ.

فَقُلْتُ: بِاَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یا رَسُولَ اللَّهِ کَیفَ نَعْمُرُ مَساجِدَ اللَّهِ؟

قالَ: لا تُرْفَعُ فِیها الْاَصْواتُ وَ لایخاضُ فِیها بِالْباطِلِ وَ لایشْتَری فِیها وَ لا یبایعُ وَ اتْرُکِ اللَّغْوَ ما دُمْتَ فِیها فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلا تَلُومَنَّ یوْمَ الْقِیامَهِ إِلاَّ نَفْسَکَ.

ای ابوذر! هرکس دعوت کننده به سوی خدا (کسی که اذان و یا اقامه می گوید) را لبیک گوید و دعوتش را اجابت کند و آباد ساختن مسجدهای خدا را به نیکی انجام دهد پاداش او از ناحیه خدا بهشت است.

گفتم: یا رسول اللَّه! پدر و مادرم فدای تو باد چگونه مسجدهای خدا را آباد سازیم؟

فرمود: (آبادانی مسجد به آن است که) صداها (به گفت و گو) در آن ها بلند نشود و در آن ها از کارهای باطل و از بیهوده کاری خودداری شود و خرید و فروش در آنجا انجام نگیرد و از لغو، تا در مسجد هستی بپرهیز و إلّا در روز رستاخیز جز خودت را سرزنش منما.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ تَعالی یعْطِیکَ ما دُمْتَ جالِساً فِی الْمَسْجِدِ بِکُلِّ نَفَسٍ تَنَفَّسْتَ فِیهِ دَرَجَةً فِی الْجَنَّهِ وَ تُصَلِّی عَلَیکَ الْمَلائِکَهُ وَ تُکْتَبُ لَکَ بِکُلِّ نَفَسٍ تَنَفَّسْتَ فِیهِ عَشْرُ حَسَناتٍ وَ تُمْحی عَنْکَ عَشْرُ سَیئاتٍ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی تا تو در مسجد هستی به تو به شماره نفس هایت، درجه در بهشت عطا خواهد فرمود و فرشتگان بر تو صلوات می فرستند و به هر نفس تو در مسجد ده حسنه برایت نوشته می شود و ده سیئه از تو محو می گردد.

يا أَباذَرٍ! اَتَعْلَمُ فِی أَیّ شَی ءٍ أُنزِلَتْ هذِهِ الآیهُ: اِصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُواللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ؟(12)

قُلْتُ: لا، فِداکَ اَبِی وَ اُمِّی.

قالَ: فِی اِنْتِظارِ الصَّلوهِ خَلْفَ الْصَلوه.

یا اَباذَرٍ: اِسْباغُ الْوُضُوءِ فِی الْمَکارِهِ مِنَ الْکَفَّاراتِ وَ کَثْرَهُ الْاِخْتِلافِ إِلَی الْمَساجِدِ فَذالِکُمُ الرِّباطُ.

ای ابوذر! آیا می دانی که این آیه «اصبروا و صابروا و رابطوا» در چه مورد نازل شده است.

گفتم: نه، پدر و مادرم فدای تو باد.

فرمود: درباره انتظار بردن (اوّل وقت) نماز است پس از نماز (دیگر).

ای ابوذر! وضو را به طور کامل ساختن در ناگواری ها (مانند سردی هوا) از کفّارات گناهان است و بسیار به مسجدها رفتن، همین ها رباط است (که در آیه ای که گفته شده به آن امر شده است.)

يا أَبادَرِ! يقُولُ اللَّهُ تَبارَكَ وَ تَعالى إِنَّ اَحَبَّ الْعِبادِ إِلَّى الْمُتَحابُّوْنَ بِحَلالِى(13) (مِنْ اَجْلِى) الْمُتَعَلَّقَهُ قُلُوبُهُمْ بِالْمَساجِدِ وَ الْمُسْتَغْفِرُونَ بِالْاَسْحارِ أُولئِکَ إِذا اَرَدْتُ بِاَهْلِ الْاَرْضِ عُقُوْبَهً ذَكَرْتُهُمْ فَصَرَفْتُ الْعُقُوبَهَ عَنْهُمْ.

ای ابوذر! خدای بزرگ و بلند مرتبه می فرماید: محبوب ترین بندگان پیش من کسانی هستند که (با حلال من) یا از جهت من (به خاطر من) با یکدیگر محبت و دوستی می نمایند و دل های آنان با مساجد پیوند دارد و در سحرگاهان به استغفار می پردازند، آنان کسانی هستند که اگر بخواهم به اهل زمین عقوبتی متوجّه سازم به خاطر آنان عقوبت را از ایشان باز می دارم.

يا أَبادَرٍ! كُلُّ جُلُوسٍ فِی الْمَسْجِدِ لَغْوٌ إِلاَّ ثَلاثَةً: قَرآءَهُ مُصَلٍّ، اَوْ ذِکْرُ اللَّهِ، أَوْ سائِلٌ عَنْ عِلْمٍ.

ای ابوذر! هرگونه نشستن در مسجد لغو و بی فایده است؛ مگر در سه حال: یا در حال نماز مشغول قرائت قرآن باشد، یا به یاد خدا ذکر بگوید، یا به آموختن دانش (دین) اشتغال ورزد و بپرسد.

يا أَباذَرٍ! كُنْ بِالْعَمَلِ بِالتَّقْوى اَشَدَّ اِهْتِماماً مِنْکَ بِالْعَمَلِ فَإِنَّهُ لايقِلُّ عَمَلٌ بِالتَّقْوى وَ کَيفَ يقِلُّ عَمَلٌ يتَقَبَّلُ؟! يقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «إِنَّما يتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ».

ای ابوذر! برای مقرون گشتن عمل به تقوی، بیشتر از اصل آن عمل اهتمام کن؛ زیرا عمل با تقوی کم نیست، چگونه عملی که مورد قبول درگاه خدا باشد کم شمرده می شود! خدای عزوجل می فرماید: «عمل را پروردگار از پرهیزکاران فقط، می پذیرد.»

يا أَباذَرٍ! لايكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتّى يحاسِبَ نَفْسَهُ اَشَدَّ مِنْ مُحاسَبَهِ الشَّرِيكِ شَرِيكَهُ، فَيعْلَمَ مِنْ اَينَ مَطْعَمُهُ وَ مِنْ اَينَ مَشْرَبُهُ وَ مِنْ اَينَ مَلْبَسُهُ اَمِنْ حِلٍّ ذلِکَ اَمْ مِنْ حَرام؟ يا اَباذَرٍ! مَنْ لَمْ يبالِ مِنْ اَينَ اکْتَسَبَ الْمالَ لَمْ يبالِ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ اَينَ اَدْخَلَهُ النّارَ.

ای ابوذر! مرد از پرهیزکاران به شمار نمی آید تا خود را، سخت تر از محاسبه شخص درباره شریک خود مورد محاسبه قرار دهد. پس باید بداند خوراکش و آنچه می نوشد و آنچه می پوشد از چه راهی تهیه شده است، از حلال است یا از حرام.

ای ابوذر! هر آن کس که ملاحظه نمی کند که کسب مال او از کجاست (و از حرام پروا نداشته باشد)، خدا نیز درباره وی ملاحظه نمی نماید که از کجا او را به آتش وارد سازد.

يا أَباذَرٍ! مَنْ سَرَّهُ أَنْ يكُونَ اَكْرَمَ النَّاسِ فَلْيتَّقِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ.

ای ابوذر! هرکس دوست می دارد گرامی ترین مردم (در نزد خدا) باشد پس باید از خدای عزوجل بترسد. (و تقوای او را رعایت کند).

يا أَباذَرٍ! إِنَّ اَحَبَّكُمْ إِلَى اللَّهِ جَلَّ ثَناؤُهُ اَكْثَرُكُمْ ذِكْراً لَهُ، وَاَكْرَمَكُمْ عِنْدَاللَّهِ اَتْقاكُمْ لَهُ وَ اَنْجاكُمْ مِنْ عَذابِ اللَّهِ اَشَدُّكُمْ لَهُ خَوْفاً.

ای ابوذر! محبوب ترین شما پیش خدای جل ثنائه کسی است که بیشتر به یاد او باشد و عزیز و گرامی ترین شما پیش خدا پرهیزکارترین شماست برای او، و نجات یابنده ترین شما از عذاب خدا کسی است که بیشتر از او بترسد.

يا أَبا ذَرٍ! إِنَّ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يتَّقُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الشَّی ءِ الَّذِی لایتَّقی مِنْهُ، خَوْفاً مِنَ الدُّخُولِ فِی الشُّبْهَهِ.

ای ابوذر! پرهیزکاران کسانی هستند که از چیزی که از آن پرهیز لازم نیست (و حلال است) اجتناب می کنند، از ترس آن که مبادا در شبهه داخل شوند.

يا أَباذَر! مَنْ اَطاعَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ وَ إِنْ قَلَّتْ صَلاتُهُ وَ صِيامُهُ وَ تِلاوَتُهُ لِلْقُرآنِ.

ای ابوذر! هرکس که در اطاعت خدای عزّوجلّ باشد ذکر خدا کرده (حقیقتاً خدا را یاد کرده است) گرچه نماز و روز (مستحبی)اش اندک باشد و کمتر قرآن بخواند.

يا أَباذَرٍ! اَصْلُ الدِّينِ الْوَرَعُ وَ رَأْسُهُ الطّاعَهُ.

ای ابوذر! ریشه دین پرهیزکاری از حرام و گناه است و سَرِ دین طاعت خداست.

يا أَباذَرٍ! كُنْ وَرِعاً تَكُنْ اَعْبَدَالنَّاسِ وَ خَيرُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ.

ای ابوذر! پرهیزکار و با ورع باش تا عابدترین مردم باشی و بهترین بخش دین شما پرهیزکاری و با ورع بودن است.

يا أَباذَرٍ! فَضْلُ الْعِلْمِ خَيرٌ مِنْ فَضْلِ الْعِبادَهِ وَ اِعْلَمْ اَنَّكُمْ لَوْ صَلَّيتُمْ حَتّى تَكُونُوا كَالْحَنايا وَ صُمْتُمْ حَتّى تَكُونُوا كَالْاَوْتارِ ما يَنْفَعُكُمْ ذالِکَ إِلاَّ بِوَرَعٍ.

ای ابوذر! فضیلت علم از فضیلت عبادت بهتر است و بدان که شماها اگر آن قدر به نماز بایستید که مانند کمان خمیده شوید و آن قدر روزه بگیرد که مانند زه کمان لاغر شوید به شما سودی نمی رسد جز با پرهیزکاری و ورع.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ اَهْلَ الْوَرَعِ وَ الزُّهْدِ فِی الدُّنْیا هُمْ اَوْلِیآءُ اللَّهِ حَقّاً.

ای ابوذر! آنان که اهل پرهیزکاری (ورع) و زهد در دنیا هستند حقاً اولیاء خدا هستند.

يا أَباذَرٍ! مَنْ لَمْ يأْتِ يوْمَ الْقِيامَهِ بِثَلاثٍ فَقَدْ خَسِرَ.

قُلْتُ: وَ مَا الثَّلاثُ؟ فِداکَ اَبِی وَ أُمِّی.

قالَ: وَرَعٌ يحْجُزُهُ عَمّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيهِ وَ حِلْمٌ يرُدُّ بِهِ جَهْلَ السُّفَهآءِ وَ خُلْقٌ يدارِی بِهِ النَّاسَ.

ای ابوذر! هرکس در روز قیامت سه چیز همراه نداشته باشد زیانکار است.

گفتم: پدر و مادرم فدای تو باد، آن سه چیز چیست؟

فرمود: ورعی که او را از محرمات خدای عزوجل باز دارد، و حلم (بردباری) که به آن با نادانی (بی خردان) سفیهان مقابله نماید، و خلق (نیکو) که با آن با مردم مدارا نماید.

يا أَباذَر! إِنْ سَرَّکَ أَنْ تَکُونَ اَقْوَی النَّاسِ فَتَوکَّلْ عَلَی اللَّهِ وَ إِنْ سَرَّکَ أَنْ تَکُونَ أَکْرَمَ النَّاسِ فَاتَّقِ اللّهَ وَ اِنْ سَرَّکَ أَنْ تَکُونَ اَغْنَی النَّاسِ فَکُنْ بِما فِی یدِاللّهِ عَزَّوَجَلَّ أَوْثَقَ مِنْکَ بِما فِی یدَیکَ.

ای ابوذر! اگر خواهی نیرومندترین مردم باشی پس بر خدا توکّل کن و اگر می خواهی (در نزد خدا) عزیزترین مردم باشی پس از خدا بترس و از نافرمانی اش بپرهیز و اگر می خواهی بی نیازترین مردم باشی پس به آنچه پیش خدای عزوجلّ است مطمئن تر باش نسبت به آنچه در دو دست خودت می باشد.

يا أَبادَر! لَوْ أَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ اَخَذُوا بِهذِهِ الآيهِ لَكَفَتْهُمْ: «وَمَنْ يتَّقِ اللَّهَ يجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ يرْزُقْهُ مِنْ حَيثُ لايحْتَسِبْ وَ مَنْ يتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ اَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَى ءٍ قَدْراً».(14)

ای ابوذر! اگر تمام مردم به این آیه رفتار و عمل می کردند همه را کفایت می کرد: «ومن یتق اللّه یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لایحتسب...» یعنی هرکس از معصیت خدا بپرهیزد خدا برای او گشایشی قرار می دهد و از راهی که گمان ندارد به او روزی می بخشد و هرکس بر خدا توکّل کند (و عاقبت کارهای خود را به او واگذار کند) از جهت کفایت مهمّات او را بس خواهد بود، به درستی که خدا امر خود را به وجه کامل به انجام می رساند، محققاً خدا برای هر چیز (بر طبق مصلحت) اندازه و قدری معین فرموده است.»

يا أَباذَر! يقُولُ اللَّهُ جَلَّ ثَناؤُهُ: وَ عِزَّتِی وَ جَلالِی لايؤْثِرُ عَبْدِی هَوای عَلی هَواهُ إِلاَّ جَعَلْتُ غِناهُ فِی نَفْسِهِ وَ هُمُومَهُ فِی اخِرَتِهِ وَ ضَمَّنْتُ السَّمواتِ وَ الْاَرْضَ رِزْقَهُ وَ كَفَفْتُ عَلَيهِ ضَيعَتَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَراءِ تِجارَهِ كُلِّ تاجِرٍ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی می فرماید: به عزّت و جلالم سوگند، بنده من خواسته مرا به خواسته خود مقدّم نمی دارد مگر این که من او را در مکنون جانش بی نیاز می سازم (بی نیازی اش را در باطنش قرار می دهم) و چنان می کنم که اندیشه ها و همّ او مصروف امور اخروی او گردد و آسمان ها و زمین را ضامن روزی او می گردانم و درآمد و حرفه او را نگهداری می کنم و من برای او خواهم بود فراتر و برتر از

تجارت هر بازرگانی.

يا أَبا ذَرٍ! لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ فَرَّ مِنْ رِزْقِهِ كَما يفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لَاَدْرَكَهُ رِزْقُهُ كَما يدْرِكُهُ اَلْمَوْتُ.

ای ابوذر! اگر فرزند آدم از روزی خود بگریزد، همان طوری که از مرگ می گریزد، روزی او به وی خواهد رسید چنان که مرگ او را در می یابد.

يا أَباذَرٍ! اَلا اُعَلِّمُکَ کَلِماتٍ ینْفَعُکَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِنّ؟

قُلْتُ: بَلی یا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وآله.

قالَ: اِحْفَظِ اللَّهَ یحْفَظْکَ، اِحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ اَمامَکَ، تَعْرَفْ إِلَی اللَّهِ فِی الرَّخآءِ یعْرِفْکَ فِی الشِّدَّهِ وَ إِذا سَأَلْتَ فَاسْاَلِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَ إِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاَللَّهِ، فَقَدْ جَری الْقَلَمُ بِما هُوَ کائِنٌ إِلی یوْمِ الْقِیامَهِ، فَلَوْ أَنَّ الْخَلْقَ کُلَّهُمْ جَهَدُوا أَنْ ینْفَعُوکَ بِشَی ءٍ لَمْ یکْتُبْ لَکَ، ما قَدَرُوا عَلَیهِ وَ لَوْ جَهَدُوا أَنْ یضِرُّوکَ بِشَی ءٍ لَمْ یکْتُبْهُ اللَّهُ عَلَیکَ، ما قَدَرُوا عَلَیهِ، فَاِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَعْمَلَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالرِّضا وَ الْیقِینِ فَافْعَلْ وَ إِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاصْبِرْ فَإِنَّ فِی الصَّبْرِ عَلی ما تَکْرَهُ خَیراً کَثِیراً وَ إِنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَ الْفَرَجَ مَعَ الْکَرْبِ وَ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یسْراً.

ای ابوذر! آیا نیاموزم به تو سخنانی که خدای عزوجل تو را بدان سود بخشد؟

عرض کردم: بلی یا رسول اللَّه صلی الله علیه وآله.

فرمود: (حرمت) خدا را (در زندگی) نگهدار تا تو را حفظ کرده، (حرمت و عظمت) خدا را نگهدار تا او را پیش روی خود یابی، خویشتن را در حال فراخی با خدا آشنا ساز تا تو را در حال تنگدستی و شدّت بشناسد، هرگاه خواستی سؤال کنی، پس از خدای عزّوجلّ سؤال بکن و هرگاه خواستی از کسی یاری جویی از خدا یاری جوی، پس به تحقیق که قلم بر آنچه تا روز قیامت خواهد شد

جاری شده است، در نتیجه اگر تمام مردم بکوشند که سودی به تو برسانند که بر تو نوشته نشده است بر آن توانا نخواهند بود و همین طور اگر تمام مردم بکوشند که ضرری به تو برسانند که خدا بر تو ننوشته است بر آن توانا نخواهند بود، پس اگر توانستی که برای خدا کاری با رضا و یقین بکنی، بکن و اگر نتوانی پس صبر داشته باش؛ زیرا که بر صبر و شکیبایی در تحمل آنچه از آن کراهت داری خیر فراوان مترتّب است و همانا پیروزی توأم با شکیبایی است و فرج و گشایش توأم با غم و اندوه است و به درستی که با هر دشواری ای آسانی توأم است.

يا أَباذَرٍ! اِسْتَغْنِ بِغِنَى اللَّهِ يغْنِکَ اللَّهُ.

فَقُلْتُ: وَ ما هُوَ يا رَسُولَ اللَّهِ؟

قالَ: غَداءٌ يوْمٍ وَ عِشآءُ لَيلَهٍ، فَمَنْ قَنَعَ بَما رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ اَغْنَى النّاسِ.

ای ابوذر! خود را به آنچه خدا تو را به آن غنی ساخته غنی دان (و خودت را محتاج دیگران مگردان) تا خدا تو را بی نیاز گرداند.

گفتم: چیست آن یا رسول اللَّه صلی الله علیه وآله؟

فرمود: غذای صبحانه یک روز و شام یک شب، پس هرکس به آنچه خدا به او روزی عطا فرموده قناعت ورزد (راضی باشد و اظهار احتیاج نزد مردم نکند) او غنی ترین مردم است.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يقُولُ: إِنِّي لَسْتُ كَلامُ الْحَكِيمِ اَتَقَبَّلُ، وَلكِنْ هَمَّهُ وَ هَواهُ، فَإِنْ كانَ هَمُّهُ وَ هَواهُ فِيما اُحِبُّ وَ اَرْضى جَعَلْتُ صُمْتَهُ حَمْداً لِى وَ ذِكْراً (وَ وِقاراً) وَ إِنْ لَمْ يتَكَلَّمْ.

ای ابوذر! خدای عزوجل می فرماید: سخن دانشمند حکیم را که بر زبان می راند (و در دلش غیر آن است) نمی پذیرم بلکه آن را می پذیرم که در دل دارد و آن مقصود و هدف اوست، اگر اراده و قصد او مصروف آنچه می خواهم و بدان رضایت دارم گردد، سکوت او را ستایش خود و ذکر (و وقار) گردانیده و به جای حمد و ثنا می پذیرم اگر چه سخن نگوید.

يا أَباذَرٍ! إِنَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَ تَعالی لايَنْظُرُ إِلی صُوَرِکُمْ وَ لا إِلی اَمْوالِکُمْ وَ (اَقْوالِکُمْ) وَلکِنْ ينْظُرُ إِلی قُلُوبِکُمْ وَ اَعْمالِکُمْ.

يا أَباذَرٍ! التَّقْوی هٰهُنا، التَّقْوی هٰهُنا وَ اَشارَ إِلی صَدْرِهِ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی به چهره های شما یا به دارایی شما (و گفته های شما) نمی نگرد، بلکه به دل ها و اعمال شما می نگرد، آن گاه اشاره به سینه خویش کرده و فرمود: ای ابوذر! تقوا اینجا است، تقوا اینجا جایگزین می گردد.

يا أَباذَرٍ! اَرْبَعٌ لايصِيبُهُنَّ إِلاَّ مُؤْمِنٌ اَلصَّمْتُ وَ هُوَ اَوَّلُ الْعِبادَهِ وَ التَّواضُعُ للَّهِ سُبْحانَهُ وَ ذِكْرُ اللَّهِ تَعالى عَلى فِى كُلِّ حالٍ وَ قِلَّهُ الشَّى ءِ يعْنِى قِلَّهَ الْمالِ.

ای ابوذر! چهار چیز است که کسی جز انسان با ایمان به آن ها نمی رسد:

1 - سکوت (با معنا) و آن اول(درجه) عبادت و بندگی است.

2 - تواضع (برای یا) به خاطر خداوند سبحان.

3 - یاد خداوند متعال کردن در همه حالات.

4 - و کم چیزی یعنی کمی مال. (زیرا شخص با ایمان نه تنها از مال حرام باید اجتناب کند و می کند بلکه از مال و چیز مشتبه به حرام هم احتیاط و اجتناب می نماید و لذا غالباً کم مال است.)

يا أَباذَرٍ! هُمَّ بِالْحَسَنَهِ وَ إِنْ لَمْ تَعْمَلْها لِكَيلا تُكْتَبَ مِنَ الْغافِلِينَ.

ای ابوذر! قصد کار نیک کن اگر چه انجام ندهی (یا نتوانی) تا از غافلان شمرده نگردی.

یا أَباذَر! مَنْ مَلَکَ ما بَینَ فَخِذَیهِ وَ ما بَینَ لَحْییهِ دَخَلَ الْجَنَّهَ. قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وآله اِنَّا لَنُؤاخَذُ بِما تَنْطِقُ بِهِ اَلْسِنَتُنا؟

قال: یا اَباذَر! وَ هَلْ یکُبُّ النَّاسَ عَلی مَناخِرِهِمْ فِی النَّارِ إِلاَّ حَصائِدُ اَلْسِنَتِهِمْ؟ إِنَّکَ لاتَزالُ سالِماً ما سَکَتَّ فَإِنْ تَکَلَّمْتَ کُتِبَ لَکَ اَوْ عَلَیکَ.

ای ابوذر! هرکس ما بین دو ران خود (یعنی عورت) و ما بین دو فک خود (یعنی دهان و زبان را از گناه) حفظ کند داخل بهشت گردد.

گفتم: یا رسول اللَّه ما بر آنچه با زبانمان می گوییم آیا حتماً مورد مؤاخذه قرار می گیریم.

فرمود: ای ابوذر آیا مردم را به روی در آتش جهنم می افکند جز نتایج زبان های ایشان؟ تو مادامی که ساکت هستی سالمی و تا لبْ، به سخن گشودی به سود یا زیان تو نوشته می شود.

يا أَباذَرٍ! اَلرَّجُلُ يتَكلَّمُ بَالْكَلِمَهِ فِی الْمَجْلِسِ لِيضْحِكَهُمْ بِها فَيهْوی فِی جَهَنَّمَ ما بَينَ السَّمآءِ وَ الْاَرْضِ.

يا أَباذَرٍ! وَيلٌ لِلَّذِی يحَدِّثُ وَ يكْذِبُ لِيضْحِکَ بِهِ الْقَوْمَ وَيلٌ لَهُ وَيلٌ لَهُ وَيلٌ لَهُ.

ای ابوذر! مردی در انجمنی سخنی می گوید تا حاضران را به سبب آن سخن بخنداند، پس به قدر فاصله زمین تا آسمان در آتش جهنم فرو می افتد.

ای ابوذر! وای بر کسی که سخن دروغ می گوید تا مردم را بخنداند وای بر او باد، وای بر او باد، وای بر او باد.

يا أَباذَرٍ! مَنْ صَمَتَ نَجى فَعَلَيکَ بِالصِّدْقِ وَ لاتَخْرُجَنَّ مِنْ فِيکَ کِذْبَهٌ اَبَداً.

قُلْتُ: يا رَسُولَ اللَّهِ فَما تَوْبَهُ الرَّجُلِ الَّذِی يکْذِبٌ مُتَعَمِّداً؟

فَقالَ: الْاِسْتِغْفارُ وَ الصَّلَواتُ الْخَمْسُ تَغْسِلُ ذلِکَ.

ای ابوذر! هرکس سکوت کند نجات می یابد، پس بر تو باد به راستگویی و البته باید هرگز سخن دروغ از دهان تو بیرون نیاید.

گفتم: یا رسول اللَّه پس توبه کسی که عمداً دروغ گوید چیست؟

فرمود: طلب آمرزش کردن (از خدا) و نمازهای پنجگانه (اثر بدی) آن را می شوید.

يا أَباذَرٍ! اِياکَ وَ الْغِيبَهَ فَإِنَّ الْغِيبَهَ اَشَّدُّ مِنَ الزِّنا.

قُلْتُ: يا رَسُولَ اللَّهِ! وَلِمَ ذلِکَ بِاَبِی أَنْتَ وَ اُمِّی؟

قالَ: لِاَنَّ الرَّجُلَ يزْنِی وَ يتُوبُ إِلَی اللَّهَ فَيتُوبُ اللَّهُ عَلَيهِ وَ الْغِيبَهُ لاتُغْفَرُ حَتّی يغْفِرَها صاحِبُها.

ای ابوذر! خویشتن را از غیبت دور ساز زیرا (گناه) غیبت کردن از (گناه) زنا سخت تر است.

گفتم: یا رسول اللَّه! پدر و مادرم فدای تو باد، به چه علّت؟

فرمود: زیرا شخص، زنا کرده و سپس توبه می کند پیش خدا پس خدا توبه اش را می پذیرد (از او در می گذرد) ولی غیبت کننده آمرزیده نمی شود مگر آن کسی را که غیبت کرده، بر او ببخشد و از او درگذرد.

يا أَباذَرٍ! سِبابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَ قِتالُهُ كُفْرٌ وَ اَكْلُ لَحْمِهِ مِنْ مَعاصِى اللَّهِ وَ حُرْمَهُ مالِهِ كَحُرْمَهِ دَمِهِ.

قُلْتُ: يا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْغِيبَهُ؟

قالَ: ذِكْرُکَ اَخاکَ بِما يكْرَهُ.

قُلْتُ: يا رَسُولَ اللَّهِ! فَإِنْ كان فِيهِ ذاکَ الَّذِى يذْكَرُ بِهِ؟

قال: اِعْلَمْ اَنَّکَ إِذا ذَكَرْتَهُ بِما هُو فِيهِ فَقَدِ اغْتَبْتَهُ وَ إِذا ذَكَرْتَهُ بِما لَيسَ فِيهِ فَقَدْ بَهَتَّهُ.

ای ابوذر! ناسزا گفتن به مؤمن فسق است و مقاتله با او کفر است و خوردن گوشت او (به غیبت) از معصیت های خدا است و احترام مال او مانند احترام خون اوست.

گفتم: یا رسول اللَّه! غیبت چیست؟ فرمود: (غیبت آن است) که درباره برادر دینی ات سخنی بگویی که از آن بدش می آید.

گفتم: یا رسول اللَّه! حتی اگر آنچه درباره او گفته می شود در او موجود باشد؟

فرمود: بدان که اگر آنچه را که در او هست بگویی غیبت او را کرده ای، و اگر آنچه را که در او نیست بدو نسبت دهی بر او بهتان زده ای. (و تهمت روا داشته ای.)

يا أَباذَرٍ! مَنْ ذَبَّ عَنْ اَخِيهِ الْمُسْلِمِ (الْمُؤْمِنِ) الْغِيبَهَ كانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ اَنْ يعْتِقَهُ مِنَ النَّارِ.

ای ابوذر! هرکس از غیبت برادرِ مسلمان (مؤمن) خود جلوگیری نماید بر خدای عزوجل است که او را از آتش جهنم آزاد سازد.

یا أَباذَر! مَن اغْتِیبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ وَ هُوَ یسْتَطِیعُ نَصْرَهُ فَنَصَرَهُ، نَصَرَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِی الدُّنْیا وَ الآخِرَهِ، فَإِنْ خَذَلَهُ وَ هُوَ یسْتَطِیعُ نَصْرَهُ خَذَلَهُ اللَّهُ فِی الدُّنْیا وَ الآخِرَهِ.

ای ابوذر! هرکس که پیش او از برادر مسلمانش غیبت شود و او توانایی یاری او را داشته و به او یاری کند خداوند عزوجل او را در دنیا و آخرت یاری کند ولی اگر از یاری او خودداری نماید با این که بر آن توانا باشد خدا در دنیا و آخرت یاری خود را از او بازدارد.

يا أَباذَرٍ! لايدْخُلُ الْجَنَّهَ قَتَّاتٌ.

قُلْتُ: وَ مَا القَتَّاتُ؟

قالَ: النَّمَّامُ يا اَباذَرٍ! صاحِبُ النَّمِيمَهِ لايسْتَرِيحُ مِنْ عَذابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِى الْآخِرَهِ.

ای ابوذر! قتات داخل بهشت نگردد.

پرسیدم: قتات کیست؟

فرمود: قتات کسی است که سخن چینی می نماید. ای ابوذر! سخن چین در آخرت از عذاب خدای عزّوجلّ راحت نشود.

يا أَباذَرٍ! مَنْ كانَ ذا وَجْهَينِ وَ لِسانَينِ فِی الدُّنْیا فَهُوَ ذُولِسانَینِ فِی النَّارِ.

ای ابوذر! هرکه در دنیا دوروی و دو زبان باشد پس او در آتش جهنم (دو روی و) دو زبان خواهد بود.

يا أَبادَرٍ! اَلْمَجالِسُ بَالْاَمانَهِ وَ إِفْشآءُ سِرِّ أَخِيکَ خِيانَهٌ، فَاجْتَنِبْ ذلِکَ وَ اجْتَنِبْ مَجْلِسَ الْعَشِيرَهِ.(15)

ای ابوذر! مجالس به امانت است و فاش کردن سرّ برادر مؤمنت خیانت است پس از آن اجتناب و از مجلس عشیره نیز دوری کن. (اجتناب نما).

يا أَباذَرٍ! تُعْرَضُ اَعْمالُ اَهْلِ الدُّنْيا عَلَى اللَّهِ مِنَ الْجُمُعهِ إِلَى الْجُمُعَهِ فِى يوْمَينِ الْاِثْنَينِ وَ الْخَمِيسِ فَيغْفِرُ لِكُلِّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلاَّ عَبْداً كَانَتْ بَينَهُ وَ بَينَ اَخِيهِ شَحْنآءُ فَيقالُ اُتْرُكُوا عَمَلَ هذَينِ حَتّى يصْطَلِحا.

ای ابوذر! اعمال اهل دنیا از جمعه تا جمعه دیگر در (هر هفته) دو روز دوشنبه و پنجشنبه بر خدا عرضه می شود،(16) پس هر بنده مؤمنی را می آمرزد مگر بنده ای که میان او و برادرش عداوت و کینه باشد پس (درباره این دو) گفته می شود عمل این دو را به حال خود واگذارید تا وقتی که با هم سازش نمایند (صلح کنند).

يا أَباذَرٍ! اِياکَ وَ هِجْرانَ اَخِيکَ فَإِنَّ الْعَمَلَ لايتَقَبَّلُ مَعَ الْهِجْرانِ.

يا اَباذَرٍ! اَنْهاکَ عَنِ الْهِجْرانِ وَ إِنْ کُنْتَ لا بُدَّ فاعِلاً فَلا تَهْجُرْهُ (فَوقَ)(17) ثَلاثَهَ اَيامٍ کَمَلاً، فَمَنْ ماتَ فِيها مُهاجِراً لِاَخِيهِ کانَتِ النَّارُ اَوْلی بِهِ.

ای ابوذر! از متارکه (وقهر) با برادرت اجتناب کن زیرا که عمل (خیر) با قهر و متارکه به درجه قبولی نمی رسد.

ای ابوذر! تو را از متارکه (دوری کردن) نهی می کنم، و اگر ناچار شدی از متارکه، سه روز تمام با برادرت متارکه نکن، پس کسی که در حال هجران با برادر خود بمیرد آتش به او سزاوارتر است. (ظاهراً مقصود از این هجران قهر و دوری و کناره گیری از روی خشم و غضب بر برادر مؤمن است).

يا أَباذَرٍ! مَنْ اَحَبَّ اَنْ يتَمَثَّلَ لَهُ الرِّجالُ قِياماً فَلْيتَبَوَّءْ مَقْعَدَهُ مِنْ النَّارِ.

ای ابوذر! هرکس دوست بدارد مردان در برابرش بایستند پس باید نشیمنگاه خود را در آتش جهنم قرار داهد (و مهیا بداند).

يا أَباذَرٍ! مَنْ ماتَ وَ فِی قَلْبِهِ مِثْقالُ ذَرَّهٍ مِنْ کِبْرٍ لَمْ یجِدْ رائِحَهَ الْجَنَّهِ إِلاَّ أَنْ یتُوبَ قَبْلَ ذلِکَ.

فَقالَ رَجُلٌ: یا رَسوُلَ اللَّهِ! إِنِّی لَیعْجِبُنِی الْجَمالُ حَتّی وَدَدْتُ أَنَّ عَلاقَهَ سَوْطِی وَ قِبالَ نَعْلِی حَسَنٌ فَهَلْ یرْهَبُ عَلی ذَلِکَ؟

قالَ: کَیفَ تَجِدُ قَلْبَکَ؟

قالَ: اَجِدُهُ عارِفاً لِلْحَقِّ مُطْمَئِنّاً إِلَیهِ.

قال: لَیسَ ذَلِکَ بِالْکِبْرِ، وَلکِنَّ الْکِبْرَ اَنْ تَتْرُکَ الْحَقَّ وَ تَتَجاوَزَهُ إِلی غَیرِهِ وَ تَنْظُرَ إِلَی النَّاسِ وَ لاتَری أَنَّ اَحَداً عِرْضُهُ کَعِرْضِکَ وَ لادَمُهُ کَدَمِکَ.

ای ابوذر! هرکس بمیرد و در دل او به قدر سنگینی ذره ای از کبر باشد بوی بهشت را نیابد، مگر آن که پیش از مرگ توبه کند.

مردی گفت: یا رسول اللّه! من زیبایی را دوست دارم تا آنجا که می خواهم بند تازیانه و بند کفش پایم زیبا باشد، آیا از این (بر من) باید ترسید و دوری کرد؟ (که مبادا کبر باشد).

حضرت فرمود: دل خود را چگونه می یابی؟

گفت: دلم به حقّ آشنا و بر آن ثابت است.

فرمود: آن کبر نیست ولکن کبر آن است که حقّ را ترک گویی و از آن تجاوز نمایی به غیر آن و به مردم چنان بنگری که انگار حیثیت (آبروی) کسی مثل آبرو و حیثیت تو نیست و خونش مثل خون تو نیست. (یعنی خود را در هر باب بر مردم برتری دهی، و دیگران را حقیر شماری).

يا أَباذَرٍ! اَکْثَرُ مَنْ یدْخُلُ النَّارَ الْمُسْتَکْبِرُونَ.

فَقالَ رَجُلٌ: وَ هَلْ ینْجُو مِنَ الْکِبْرِ اَحَدٌ یا رَسُولَ اللَّهِ؟

قالَ: نَعَمْ، مَنْ لَبِسَ الصُّوْفَ وَ رَکِبَ الْحِمارِ وَ حَلَبَ الْعَنْزَ وَ جالَسَ الْمَساکِینَ.

یا اَباذَرٍ! مَنْ حَمَلَ بِضاعَتَهُ فَقَدْ بَرِی ءَ مِنَ الْکِبْرِ یعْنِی ما یشْتَرِی مِنَ السُّوقَ.

ای ابوذر! بیشتر کسانی که به آتش

داخل می شوند مردمان متکبر هستند.

مردی گفت یا رسول اللّه! آیا کسی از تکبر (خود بزرگ بینی) نجات می یابد؟

فرمود: آری، کسی که لباس پشمینه بپوشد و سوار الاغ شود و بز را بدوشد(18) و با فقرا همنشینی کند.

ای ابوذر! هرکس آنچه را که از بازار خریده است به دست خویش به خانه برد از کبر، دور و بری گشته است.

يا أَباذَرٍ! مَنْ جَرَّ ثَوْبَهُ خُيلاءَ لَمْ ينْظُرِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيهِ يوْمَ الْقِيامَهِ.

يا أَباذَرٍ! اَزْرَهُ الْمُؤْمِن إِلى أَنْصافِ ساقَيهِ وَ لاجُناحَ عَلَيهِ فِيما بَينَهُ وَ بَين كَعْبَيهِ.

ای ابوذر! هرکس لباس خود را از روی تکبر بر زمین بکشد روز قیامت خداوند عزوجل بر وی نظر رحمت ننماید.

ای ابوذر! مرد مؤمن شلوار و لباس پایین (پایین لباسش) تا نصف های ساق های پایش می باشد (یعنی از حیث تواضع بهتر است) و بدی و عیبی بر او نیست در آنچه (پایین لباس) ما بین ساق و بین قوزه های پایش باشد. (یعنی پایین تر و بلندتر از قوزه نباشد).

يا أَباذَرٍ! مَنْ رَفَعَ ذَيلَهُ وَ خَصَفَ نَعْلَهُ وَ عَفَّرَ وَجْهَهُ فَقَدْ بَرِی ءَ مِنَ الْكِبْرِ.

ای ابوذر! هرکس دامن خود را کوتاه نماید (یعنی تا حدود ساق و قوزه پا) و کفش خود را وصله زند و (پیشانی) صورت خود را (در سجده برای خدا) بر خاک بمالد از کبر دور (و برئ) می گردد.

يا أَباذَرٍ! مَنْ كانَ لَهُ قَمِيصانِ فَلْيلْبَسْ اَحَدَهُما وَ لْيلْبِسِ الآخَرَ اَخاهُ.

ای ابوذر! هرکس دو پیراهن دارد یکی را خودش بپوشد و دیگر را به برادرش(19) بپوشاند.

يا أَبا ذَرٍ! سَيكُونُ ناسٌ مِنْ أُمَّتِی يولَدُونَ فِی النَّعِيمِ وَ يغْذُونَ بِهِ، هِمَّتُهُمْ اَلْوانُ الطَّعامِ وَ الشَّرابِ، وَ يمْدَحُونَ بِالْقَوْلِ، اُولئِکَ شِرارُ أُمَّتِی.

ای ابوذر! به زودی گروهی از امّت من خواهند بود که در میان ناز و نعمت متولّد و با غذاهای لذید (و نعمت ها) نشو و نما کنند، همّت آنان خوردنی ها و نوشیدنی های گوناگون است، مردم آنان را مدح و ثنا گویند، آنان اشرار و بدان امّت من هستند.

يا أَباذَرٍ! مَنْ تَرَکَ لبْسَ الْجَمالِ وَ هُوَ يقْدِرُ عَلَيهِ تَواضُعاً للَّهِ عَزَّوَجَلّ (فَقَدْ) کَساهُ حُلَّةَ الْکَرامَهِ.

ای ابوذر! هرکس (زینت) و پوشیدن لباس زیبا را از روی تواضع برای خداوند عزوجل ترک نماید، در حالی که بر آن توانایی دارد، خداوند تبارک وتعالی بر تن او حلّه کرامت بپوشاند.(20)

توضیح این که: زیور و زینت و لباس زیبا اگر از حلال باشد و از تکبر و خودنمایی و خودفروشی نباشد مباح و جایز است ولی ترک آن به جهت تواضع و فروتنی برای خدا نیکو و پسندیده است.

يا أَبادَرٍ! طُوبى لِمَنْ تَواضَعَ للَّهِ تَعالى فِى غَيرِ مَنْقَصَهٍ وَ اَذَلَّ نَفْسَهُ فِى غَيرِ مَسْكَنَهٍ وَ اَنْفَقَ مالاً جَمَعَهُ فِى غَيرِ مَعْصِيهٍ(21) وَ رَحِمَ اَهْلَ الذُّلِّ وَ الْمَسْكَنَهِ وَ خالَطَ اَهْلَ الْفِقْهِ وَ الْحِكْمَهِ، طُوبى لِمَنْ صَلُحَتْ سَرِيرَتُهُ وَ حَسُنَتْ عَلانِيتُهُ وَ عَزَلَ عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ، طُوبى لِمَنْ عَمِلَ بِعِلْمِهِ وَ اَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مالِهِ وَ اَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ.

ای ابوذر! خوشا به حال کسی که بدون این که نقصی (دینی یا دنیوی) داشته باشد برای (رضای) خدای متعال تواضع و فروتنی نماید (نزد مردم) و خویشتن را بدون بی مالی و احتیاج، رام و کوچک دارد و مالی را که اندوخته است در غیر معصیت (خدا)(22) صرف نماید و به بیچارگان و محتاجان ترحّم نماید، و با اهل فقه (و دانش) و حکمت همنشینی (همگرایی) کند. خوشا به حال کسی که اندرونش صالح و شایسته و آشکار و بیرونش نیکو باشد و شرّ و بدی خود را از مردم باز دارد. و خوشا به حال کسی که علم خویش را به کار بندد، (و به علم خود عمل

کند) و مازاد دارایی خویش را(در راه خدا) انفاق نماید و گفتار (زبان) خویش را از سخن بیجا (و زیاده از نیاز) باز دارد.

يا أَبا ذَرٍ ! اِلْبَسِ الْخَشِنَ مِنَ اللِّباسِ وَ الضَّفِيقَ مِنَ الثَّيابِ لِئَلاَّ يجِدَ الْفَخْرُ فِيکَ مَسْلَکاً.

ای ابوذر! جامه زبر و لباس خشن و پیراهن درشت باف را بر تن کن تا (تکبر و) فخر در تو راه نیابد.

يا أَبادَر! يكُونُ فِی آخِرِ الزَّمانِ قَوْمٌ يلْبَسُونَ الصُّوفَ فِی صَيفِهِمْ وَ شِتائِهِمْ وَ يرَوْنَ أَنَّ لَهُمُ الفَضْلَ بِذلِکَ عَلی غَيرِهِمْ، أُولئِکَ تَلْعَنُهُمْ مَلائِکَهُ السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ.

ای ابوذر! گروهی در آخرالزمان پدید آیند که در تابستان شان و زمستان شان لباس پشم می پوشند و گمان می برند که با این لباس پشم پوشی بر دیگران برای آنان (فضلی می باشد و) فزونی یافته اند (ظاهراً مراد فرقه صوفیه هستند) آنهایند که ملائکه آسمان ها و زمین بر آنان لعنت می کنند.

يا أَباذَرٍ! اَلا اُخْبِرُکَ بِأَهْلِ الْجَنَّهِ؟

قُلْتُ بَلی یا رَسُولَ اللَّهِ.

قَال کُلُّ اَشْعَث اَغْبَر ذِی طِمْرَینِ لایؤبَهُ بِهِ لَوْ اَقْسَمَ عَلَی اللَّهِ لَأَبَرَّهُ.

ای ابوذر! می خواهی تو را به اهل بهشت خبر دهم؟

عرض کردم: بلی یا رسول اللَّه صلی الله علیه وآله.

فرمود: هر ژولیده موی گردآلود که دو جامه کهنه پوشیده باشد و اعتنا و توجهی به او نباشد (یعنی مردم او را خوار و بی مقدار شمارند، (مؤمن فقیری که به علت فقر لباس فاخر به تن نداشته و وضع ظاهری اش با انسان های مرفه سازگاری نداشته باشد و بدین علت مردم به او اعتنایی نمی کنند و او هم باکی به عدم اعتنای مردم ندارد پس اهل بهشت است) اگر خدا را سوگند دهد البته خداوند قسم و دعای او را قبول می فرماید و (خواسته او را ردّ نکند).

خداوند متعال را شکر می نمایم که این بنده ناچیز خود را توفیق کرامت فرمود تا در مورد این حدیث شریف و معتبر در حدّ امکان از حیث لفظ و معنا تحقیق نمودم و با وقت و دقّتی نه چندان کم در تصحیح و تکمیل ترجمه و تطبیق متن با مدارک اوّلیه کوشش نمودم و با این

حال ادّعا ندارم که هیچ خطا و اشتباهی ندارد؛ زیرا که بیش از یک بشر ناقص نیستم.

العبد خیراللَّه سلیم زاده

فهرست کتاب های انتشارات مسجد مقدّس جمکران

حدیث نام کتاب نویسنده/مترجم قیمت ترجمه حدیث عنوان بصری واحد پژوهش 1000

چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی 4500

مهدی موعوددرکلام پیامبرمحمود

احمد سعیدی 4000

اخلاق آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی 15000

اخلاق عملی آیت اللَّه مهدوی کنی 13000

فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی 38000

تاریخ مسجد مقدّس جمکران تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی)

واحد تحقیقات 4000

مسجد مقدس جمکران تجلّیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی 12000

آئینه اسرار حدیث بنای مسجد مقدّس جمکران حسین کریمی قمی 6000

پی نوشت ها

1) ظاهراً اشاره به آیه 40 سوره هود: «...وَأَهْلَکَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَیهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَما آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِیلٌ» و آیه 119 و 120 سوره شعراء «...ثُمَّ أَغْرَقْنا بَعْدُ الْباقِینَ» .

2) ظاهراً اشاره است به آیه 58 و 59 سوره بقره... و قولوا حِطَّه و آیه 161 و 162 سوره اعراف.. و قولوا حطّه... .

3) این شماره در مکارم الاخلاق و بحارالانوار نیست ولی در امالی و در مجموعه ورام با مختصر اختلافی موجود می باشد.

4) اشاره است به آیه شریفه 71 و 72 سوره مریم: «وَإِنْ مِّنکُمْ إِلَّا وَارِدُها کانَ عَلَی رَبِّکَ حَتْماً مَّقْضِیا ثُمَّ نُنَجِّی الَّذِینَ اتَّقَوا وَ نَذَرُ الظَّالِمِینَ فِیها جِثِیا».

5) سوره اسراء، آیه 107 - 109.

6) در مکارم الاخلاق و بحار (ثم عرضها) آمده است.

7) فراهم ساختن اسباب و وسایل آسایش خانواده خود و سایر مردم با ایمان در اطاعت خدای متعال از جمله اعمال خدا پسند است که می توان با آن تحصیل رضای الهی نمود.

8) احتمال أثبت نیز می باشد.

9) در باب این که چرا قرآن را شعار و دعا را دثار قرار داده است، در کتاب شریف عین الحیات مرحوم مجلسی توضیحی

فرموده است، اگر کسی بخواهد به آنجا مراجعه کند.

10) اشاره به آیه 20 سوره (شوری) می باشد «مَن کانَ یرِیدُ حَرْثَ الْأَخِرَهِ نَزِدْ لَهُ فِی حَرْثِهِ وَمَن کانَ یرِیدُ حَرْثَ الدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها وَما لَهُ فِی الْأَخِرَهِ مِن نَّصِیبٍ».

11) مرحوم علامه مجلسی در عین الحیاه در ذیل این کلام فرموده است: مراد از همه مردم در اینجا غالب مردم است، یا مراد از (ناس) در (تری الناس) مردم اهل دنیا است.

12) سوره آل عمران، آیه 200 «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا» ای کسانی که ایمان آورده اید. (در برابر مشکلات و هوس های) صبر و استقامت کنید و در برابر دشمنان پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از (معصیت و عذاب) خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید.

13) لفظ (بحلالی) فقط در مجموعه ورام استو احتمالاً غلط می باشد.

14) سوره طلاق، آیه 2 و 3.

15) مرحوم علاّمه مجلسی برای اجتناب از مجلس عشیره چند معنی ذکر کرده که به نظر می رسد معنای اوّل مناسب تر باشد چنین است: (اجتناب از مجلس که خویشان با یکدیگر می نشینند و بد مردم را می گویند).

16) عرضه داشتن اعمال به درگاه الهی با احاطه علم خدا بر تمام موجودات منافاتی ندارد.

17) کلمه (فوق) که در بعضی کتاب ها هست احتمالاً زیادی باشد.

18) این دستور به اقتضای زمان پیغمبر و برای آن است که در آن زمان به آن گونه کارها شکسته نفسی حاصل می شد و کبر و تکبر شکسته می شد، ولی در این زمان بعضی آن ها میسر نیست.

19) ظاهراً مراد هنگامی است که برادر مسلمان برهنه باشد و او نیز توانایی آن را نداشته باشد که برای وی لباس خریداری کند در این

صورت خوب است که یکی از لباس های خود را به تن او بپوشاند.

20) بدیهی است که در شرع مقدّس اسلام لباس زیبا پوشیدن مباح است و زینت نیز تحریم نشده. در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ» بگو ای پیغمبر زینت هایی که خدا برای بندگان خود فراهم ساخته تحریم نشده است. بلکه آنچه مذموم است و در این حدیث نیز پیامبر گرامی اسلام از آن نکوهش نموده است که انسان لباس های فاخر بپوشد تا خود را بر دیگران برتری دهد و مردم را به حسرت وا دارد... .

21)

22) 1 و 2. جمله (فی غیر معصیه) ممکن است متعلق به (انفق) یا (جمع) با هر دو باشد.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109